

بسمه تعالی

پاراگراف کتاب

گردآورنده: سام کاتب

شامل: ۴۱۰ بریده کتاب

فهرست کتابها:

1. آخرین وسوسه مسیح
2. اتحادیه ابلهان
3. بینایی
4. ناطور دشت
5. قمار باز
6. جزء از کل
7. زندگی گالیله
8. شیطان و خدا
9. زهیر
10. دیدن از سیزده منظر
11. سلوک
12. کنسرت در جهنم
13. آتش بدون دود
14. یازده دقیقه
15. دست بردن زیر لباس سیب
16. حکایت دولت و فرزاندگی
17. سوءتفاهم
18. تونل
19. سمفونی مردگان
20. سه شنبه ها با موری
21. هنر عشق ورزیدن
22. جامعه شناسی خودمانی
23. چهار اثر
24. طوطی
25. سال بلوا
26. بیشعوری
27. دنیای سوفی
28. خاطره دلبرگان غمگین من
29. جنگل نروژی

30. زاده برای عشق
31. شهری چون بهشت
32. فردا شکل امروز نیست
33. عجیب ترین کلمات
34. ملت عشق
35. پس از تو
36. نون نوشتن
37. زوربای یونانی
38. مزدی به نام اوه
39. طاعون
40. وصیت خیانت شده
41. سه گانه نیویورک
42. غرور و تعصب
43. زندگی داستانی
44. شوهر آهو خانوم
45. ناگهان خورشید
46. طبل جلیبی
47. عامه پسند
48. کافکا در کرانه
49. ژاک و اربابش
50. دیدن دختر صد در صد دلخواه در ماه آوریل
51. شکرانه
52. در باب حکمت زندگی
53. مرد سوم
54. پیرمرد و دریا
55. ژوزه ساراماگو
56. بازمانده نور
57. خودت باش دختر
58. پرونده هری کبر
59. عقاید یک دلچک
60. دیروز
61. برای آن به سوی تو می آیم
62. خرمگس
63. خاطرات خانه مردگان
64. دیر یا زود
65. سنگفرش هر خیابان از طلاست
66. تهوع
67. خاطرات سوگواری
68. میرا
69. شاهزاده سکایی
70. همسران خوب
71. کتاب امروز
72. روز های برمه
73. فلسفه ای برای زندگی
74. درک یک پایان
75. خشم و هیاهو
76. راز فال ورق
77. میوه خارجی

78. ژان دوفلورت و دختر چشمه
79. دخمه
80. تفکرات تنهایی
81. زندهم که روایت کنم
82. ابله سفر به شرق
83. زندگی جنگ و دیگر هیچ
84. راز
85. بیندیشید و ثروتمند شوید
86. مرگ خوش
87. راز مادرم
88. همه گرفتاریم
89. بابا گوریو
90. آلیس در سرزمین عجایب
91. به آواز باد گوش بسپار
92. ورونیکا تصمیم میگیرد بمیرد
93. جاده انقلابی
94. دیوانه وار
95. خشم و غرور
96. یادداشتهای مرد فرزانه
97. به خاطر وین دیکسی
98. خانواده های خوشبخت
99. قهرمانان و گورها
100. آنتارکتیکا
101. روان درمانی اگزستانسیال
102. جنگ و صلح
103. آرزو های کوچک
104. هزار خورشید تابان
105. دیگری
106. عشق در زمان وبا
107. زمین انسان ها
108. کشتن مرغ مینا
109. کاناپه قرمز
110. من او را دوست داشتم
111. بلندهای بادگیر
112. تنهایی پر هیاهو
113. اروین یالوم
114. رویای تبت
115. با او برو
116. آرامش
117. شازده کوچولو
118. خواب زمستانی
119. خداحافظ گاری کوپر
120. دل کور
121. به کی سلام کنم؟
122. همه نام ها
123. کمی قبل از خوشبختی
124. من پس از تو
125. چراغ ها را من خاموش می کنم

126. دنیای قشنگ نو
127. بر باد رفته
128. ناپدیدشدگان
129. یادداشت ها
130. مردان بدون زن
131. انسان در جستجوی معنا
132. محرمانه های رومنو و ژولیت
133. راه طولانی بود از عشق حرف زدیم
134. روزگار سپری شده مردم سالخورده
135. چوب به دستهای ورزیدل
136. هنر شفاف اندیشیدن
137. آرزوهای بزرگ
138. داستان های واقعی از زندگی آمریکایی
139. سوختن در آب، غر شدن در آتش
140. دشمنان
141. دست های آلوده
142. یک عاشقانه آرام
143. بعضی ها هیچ وقت نمی فهمن
144. درون یک آینه، درون یک معما
145. شبهای روشن
146. چهل نامه کوتاه به همسرم
147. چهل سالگی
148. ماهی سیاه کوچولو
149. جادوگر شهر از
150. دوست داشتن آقای دنیلز
151. قورباغه ات را قورت بده
152. جان شیفته
153. زن ها
154. فلسفه ای برای زندگی
155. روی ماه خداوند رو ببوس
156. دال دوست داشتن
157. پاک کن جادویی
158. آیین زندگی
159. کنت دو مونت کریستو
160. دشمن عزیز
161. باغ وحش شیشه ای
162. هزار داستان
163. رنج های ورتنر جوان
164. سالار مگس ها
165. مردی که می خندد
166. موش ها و آدمها
167. کوری
168. رومنو و ژولیت
169. رابینسون کروزو
170. داستان دو شهر
171. نغمه یخ و آتش: جلد اول
172. مغازه خودکشی
173. فرانکنشتاین

174. کفش فروش پیر
175. هری پاتر و فرزند نفرین شده
176. ماجراهای نارینا؛ جلد سوم
177. هابیت
178. مسخ
179. درون آب
180. جک غول کش
181. بیست هزار فرسنگ در خیال
182. اشتباه در ستاره های بخت ما
183. دراکولا
184. هیولایی را فرا می خواند
185. بازگشت
186. چشمهایش
187. برادران کارامازوف
188. آینه های درد دار
189. سووشون
190. متن های برای هیچ
191. اگر خورشید بمیرد
192. زنده به گور
193. دلواپس شادمانی تو
194. بادبک باز
195. کنترل ذهن
196. بوف کور
197. مدیر مدرسه
198. صد سال تنهایی
199. قلعه حیوانات
200. بیگانه
201. نبرد من
202. 1984
203. گتسبی بزرگ
204. زنان کوچک
205. بینوایان
206. زندگی عشق و دیگر هیچ
207. گوژپشت نتردام
208. دُن کیشوت
209. آدمکش کور
210. روح پراگ
211. جنایت و مکافات
212. دختری در قطار
213. بار دیگر شهری که دوست می داشتم
214. راز مرد گوشه گیر
215. سلاخ خانه شماره پنج
216. دشمن عزیز
217. امیل
218. قطار به موقع رسید
219. وقتی نیچه گریست
220. شادمانی های کوچک
221. کنار رود پیدرا نشستم و گریستم

222. دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد
223. اگر خورشید بمیرد
224. موسیقی مرگ
225. ابر صورتی
226. نه تر و نه خشک
227. قانون های نانوشته
228. ژان کریستف
229. همه می میرند
230. زن آینده
231. ولی دیوانه وار
232. راز سایه
233. صدای افتادن اشیاء
234. گفتگو با کافکا
235. در تنگ
236. بعد از عشق
237. قهرمان عصر ما
238. بار هستی
239. مارتین ایدین
240. نخل ها وحشی
241. جزیر شاتر
242. گذر از زمستان
243. قصر
244. شرق بهشت
245. پوست انداختن
246. سقوط
247. کوچه ابرهای گمشده
248. نامه‌ی گمشده
249. در انتظار گودو
250. شبهای روشن
251. پاییز فصل آخر سال است
252. بافته های رنج
253. خنده و فراموشی
254. گدا
255. نیمه غایب
256. تسخیرشدگان
257. چوب نروژی
258. سایه باد
259. زائران غریب
260. جنس دوم
261. شکار انسان
262. میلکه عزیز
263. مربای شیرین
264. شاه‌گوش می کند
265. عروس بیوه
266. جنگ آخر زمان
267. زنده باد زن کچل
268. چوب به دستهای ورزیدل
269. از طرف او

270. نام من سرخ
271. پرنده پنهان
272. دوباره اون آهنگو بزن سم از این آب ننوشید
273. آدم اول
274. رازی در کوچه ها
275. خزه
276. عقد و داستان های دیگر
277. من از دنیای بی کودک میترسم
278. سانست پارک
279. نامه به پدر
280. داستان زندگی من
281. قطره اشکی در اقیانوس
282. بانوی شکسته
283. بعضی ها هیچ وقت نمی فهمن
284. ذهن زمستانی
285. نامه های عاشقانه یک پیامبر
286. بابا لنگ دراز
287. جای خالی سلوچ
288. خاطرات سیمون دوبوار
289. تونل
290. آب سوخته
291. سوءتفاهم
292. مرد، پول و شکلات
293. سینو هه
294. چگونه انسان غول شد
295. شاید وقتشه با یکی حرف بزنی
296. حرمسرای قذافی
297. فراتر از بودن
298. ایکی گای
299. خرده عادت ها
300. مثل همه عصرها
301. در جستجوی آلاسکا
302. قطعه گم شده
303. رومن به روایت پولانسکی
304. میوه خارجی
305. دیر یا زود
306. چهار نوع عشق
307. آنا کارنینا
308. گریز دلپذیر
309. دفترچه ممنوع
310. نامه های از پراگ
311. اوضاع خیلی خراب است
312. کارت پستال
313. اولدوز و عروسک سخنگو
314. راز شاد زیستن
315. و من دوستت داشتم
316. زنده باد خودم
317. طرز فکر

318. داشتن و نداشتن
319. نفرتی که تو میکاری
320. مردی با کبوتر
321. عشق رقص زندگی
322. نجیب زاده‌ای در مسکو
323. نامه با فلیسه
324. همه جای پای پول در میان است
325. نگاهی به مرغک
326. برنده تنه‌است
327. سلام، کسی اینجا نیست؟
328. من از چهل سالگی می‌ترسم
329. عروسک فرنگی
330. نان و شراب
331. جستجوی زمان از دست رفته
332. کوچک زندگی
333. سفر در اتاق تحریر
334. شفای زندگی
335. پروست و من
336. آرام باش بی اعصاب
337. دهکده جهانی خوشبختی
338. باغ گذر
339. مثنی سنگ میان سطرها
340. شیخ اپرای پاریس
341. حیوان اندیشمند
342. سرو غمگین
343. بابل
344. هم‌نوایی شبانه ارکستر چوبها
345. همسر خاموش
346. فرانی و زویی
347. اندیشه های متی
348. زندگی داستانی ای. جی. فیکری
349. نیمه تاریک ماه
350. قرص های کاغذی شهر سنگی
351. گفتگو در کاتدرال
352. گرسنگی
353. ساعت شوم
354. افسانه سیزیف
355. مدار صفر درجه
356. شکلات
357. از خودت برایم بگو
358. سفر زمستانی
359. طبل حلبی
360. مادر بزرگت رو از اینجا ببر
361. لطیف است شب
362. جزیره‌ی سرگردانی
363. سرچشمه های حکمت
364. مادام بوواری
365. جاودانگی

366. در جستجوی زمان از دست رفته
367. دلواپسی
368. نامه ای به خودم
369. عشق کافی نیست
370. عیبی ندارد آگه حالت خوش نیست
371. تولستوی و میل بنفش
372. جستارهایی در باب عشق
373. به خاطر وین دیکسی
374. درمان شوپنهاور
375. دیوانه وار.
376. ژان دو فلورت و دختر چشمه
377. راز
378. از عشق و شیاطین دیگر
379. اینس
380. اشک تمساح
381. مرگ در می زند
382. عیبی ندارد اگر حالت خوش نیست
383. وقتی برای زندگی و وقتی برای مرگ
384. سگ
385. برادران سیسترز
386. ریگ روان
387. پاییز پدرسالار
388. پایبندی های انسانی
389. هنر ظریف رهایی از دغ دغها
390. شرمنده نباش دختر
391. غروب بتها
392. گوشه نشینان آلتونا
393. پیروزی عشق
394. ثافون
395. مهرگان؛ سرگذشت آب و آتش
396. تاملات
397. زندگی در پیش رو
398. چهار میثاق
399. مانده های زمینی
400. همیشه شوهر
401. جنگجوی عشق
402. سگ خارجی
403. درسهای فلسفه اخلاق
404. چون رودی جاری باش
405. مرگ یزدگرد
406. آهستگی
407. مردی که میخواست خوشبخت باشد
408. شرلوک هلمز و دراکولا
409. به امید دیدار در آن دنی
410. جمع بندی

انسان نمی تواند به پرواز درآید
مگر آنکه ابتدا به لبه ی پرتگاه برسد"

▪ آخرین وسوسه مسیح
نیکوس کازانتز اکیس

وقتی نابغه حقیقی در دنیا پیدا می شود، می توانید
او را از این نشانه بشناسید: تمام ابلهان علیه اش
متحد می شوند"

▪ اتحادیه ابلهان
جان کندي تول

اگر نمیتوانی دشمنت را شکست دهی،
به او ملحق شو"

▪ بینایی
ژوزه ساراماگو

من مبتلا به نوعی پارانوای و ارونه‌ام.
دائماً به مردم مظنونم
که دارند برای شاد کردن من
نقشه می‌کشند"

▪ ناطور دشت
جی دی سلینجر

وقتی این همه تلاش میکنی یک نفر را فراموش کنی،
خود این تلاش تبدیل به خاطره میشود و بعد باید فراموش کردن را فراموش کنی"

▪ جزء از کل
استیو تولتز

آندره آ بدبخت کشوری که قهرمان ندارد!
گالیله: نه. بدبخت کشوری که احتیاج به قهرمان
دارد"

▪ زندگی گالیله
برتولت برشت

وقتی خدا ساکت است،
می توان هر ادعایی را به او نسبت داد"

▪ شیطان و خدا
ژان پل سارتر

باید چیزی را که در خیالمان هستیم، فراموش
کنیم تا بتوانیم کسی باشیم که واقعا هستیم"

▪ زهیر
پائولو کوئیل

زمان حال چیز خنده داری است
اصولا نمیتواند وجود داشته باشد
به مجرد اینکه از آن آگاه می شویم
سپری می شود و دیگر حال نیست!
این طوری ما مدام در گذشته زندگی به سر می بریم
حتی هنگامی که در حال رویاپردازی
دربارهی آینده هستیم"

▪ دیدن از سیزده منظر
کالم مک کان

انسان در مسیر عمر خود
مگر چندبار می تواند به دوستانی بر بخورد
که از میان آنها همزبانی بیابد"

▪ سلوک
محمود دولت آبادی

اینجا هرکس شلیک می کند
خودش کشته می شود"

▪ کنسرت در جهنم
رسول یونان

خلق عشق مسئله ای نیست
حفظ عشق مسئله است
عاشق شدن مهم نیست، عاشق ماندن مهم است
عاشق شدن حرفه بچه هاست
عاشق ماندن هنر مردان و دلاوران
شست عهده‌ی های عشاق باعث شده که
بسیاری از داستان های عاشقانه مبتذل
در جایی تمام شود که عاشق به معشوق می رسد
حال آنکه مهم، از این لحظه به بعد است!
مهم، پنجاه سال بعد است
دوام عشق، دوام زیبایی و شکوه عشق"

▪ آتش بدون دود
نادر ابراهیمی

نمی توان به بهار گفت زود فرا برسد
و عمری طولانی داشته باشد
تنها میتوان گفت بیاید
و تا مدتی که قادر است بماند"

▪ یازده دقیقه
پائولو کوئلیو

محبوبم، من همه‌ی پله ها را شمرده ام
اما باز هم نمی دانم کی به شما میرسم
عاشقی ساده لوح
تا چند وقت پیش خیال میکردم نسیم
بازدم نفس فرشته ها هستند
و زنبور ها شوهر پروانه هایند
در گذشته شبها مرا بیدار می کردند
در بیداری نمی دانم سرم را کجا بگذارم
سرم را روی هر چه می گذارم خوابم نمیبرد
مگر یاد شما"

▪ دست بردن زیر لباس سیب
محمد صالح علا

اشخاصی که صبر میکنند
تا اوضاع و شرایط عالی از راه برسد
هرگز کاری را به انجام نمی رسانند
زمان مطلوب برای عمل همین حالاست
اشخاصی که در دست به خطر زدن تردید میکنند
و از آن احتراز می جویند

زیرا همه امکانات را در اختیار ندارند
هرگز به جایی نمیرسند"

▪ حکایت دولت و فرزاندگی
مارک فیشر

زن ها، گاهی اوقات حرفی نمی زنند
چون به نظرشان لازم نیست که چیزی گفته شود
تنها با نگاهشان حرف می زنند
به اندازه یک دنیا با نگاهشان حرف می زنند!
اگر زنی برایتان اهمیت دارد
از چشمانش به سادگی نگزید! به هیچ وجه"

▪ سوء تفاهم
سیمون دوبوار

من از خودم میپرسم چرا حقیقت باید ساده باشد
تجربه من کاملا خلاف این را به من یاد داده است
حقیقت تقریبا هیچ وقت ساده نیست و اگر چیزی بیش از حد واضح و آشکار به نظر می رسد.
اگر عملی به ظاهر از منطق ساده ای پیروی می کند،
معمولا انگیزه های پیچیده ای پشت سر آن است"

▪ تونل
ارنستو ساباتو

وقتی آدم یک نفر را دوست داشته باشد
بیشتر تنهاست!
چون نمی تواند به هیچ کس
جز به همان آدم بگوید که چه احساسی دارد
و اگر آن آدم کسی باشد که تو را
به سکوت تشویق می کند.
تنهایی تو کامل می شود"

▪ سمفونی مردگان
عباس معروفی

مهم ترین چیز در زندگی این است
که یاد بگیری چطور به مردم عشق بدهی
و چطور بگذاری عشق به طرفت بیاید!
بگذار بیاید؛ ما خیال میکنیم مستحق عشق نیستیم
فکر می کنیم اگر در را به رویش باز کنیم
زیادی نرم می شویم..
ولی از مرد عاقلی شنیدم که میگفت:
تنها عمل منطقی عشق است"

▪ سه شنبه ها با موری
میچ آل‌بوم

ما در جامعه ای زندگی می کنیم که کلمه ی «نمی دانم» و «بلد نیستم» کمتر از هر کلمه دیگری به گوشمان می خورد.
چطور جماعتی تا قبل از این که بدانند که نمی دانند به دنبال دانستن خواهند رفت؟ مگر ممکن است"

▪ جامعه شناسی خودمانی
حسن نراقی

تا حد امکان هر چه می توانید کمتر
در باره ی کارهای خود صحبت کنید
آن هم تنها با کسانی که به شما
دلگرمی و الهام می بخشند
چون دنیا پر از آدم هایی است
که نفوس بد می زنند
مردمی که تنها بلدند بگویند:
اینکه محال است یا واقعا که تو زیادی بلند پروازی"

▪ چهار اثر
فلورانس اسکاول شین

خاطره، چیز عجیبی ست
گاه مثل شعبده باز از کلاه
عکس هایی فوری را بیرون می کشد
که خیال میگردی تا ابد فراموششان کرده ای

▪ طوطی
سوزانا تامارو

کاش آدم بتواند دنیا را بالا بیاورد
و این همه دروغ و ریا نبیند!
دنیا به دست دروغوها و پشت هم اندازها و
حقه بازها اداره می شود"

▪ سال بلوا
عباس معروفی

بیشعورها قابلیت شگفت انگیزی
برای دیدن تنها یک وجه از هر مسئله ای را دارند
همان وجهی که منافع آن ها را تامین می کند"

▪ بیشعوری

خاویر کرمنت

شعور و وجدان را می توان به عضلات تشبیه کرد،
هر عضله ای را که به کار نبریم
ضعیف و ضعیف تر می شود"

▪ دنیای سوفی
یوستین گزدر

یک هفته ی تمام شب و روز
کلاه عملگی بر سرم بود
نه حمام رفتم، نه ریش تراشیدم
نه دندانهایم را مسواک زدم
زیرا عشق خیلی دیر به من آموخت
که آدم خودش را به خاطر محبوب می آراید
بخاطر محبوب به دک و پزشک میرسد و عطر می زند
و من هرگز کسی را نداشتم که بخاطرش این کارها را بکنم"

▪ خاطره دلبرکان غمگین من
گابریل گارسیا مارکز

زندگی مانند دوچرخه است!
باید برای حفظ تعادل زندگی
همیشه در حرکت باشی"

▪ جنگل نروژی
هاروکی موراکامی

دلشوره هرگز غم فردا را فرو نمی نشاند.
فقط خون شادی را از رگ امروز بیرون می کشد"

▪ زاده برای عشق
لئو بوسکالیا

خوشبختی از نگاه هرکسی، معنایی متفاوت دارد!
اما از نظر من آدم هایی خوشبختند
که عشق به موقع به سراغشون بیاد"

▪ شهری چون بهشت
سیمین دانشور

این اوج مصیبت انسان عصر ماست.
له کردن آنهایی که نمی فهمیم شان!

فهم خود را اوج فهم جهان دانستن"

▪ فردا شکل امروز نیست
نادر ابراهیمی

بگذار آنان که عشق حقیقی را نیافته اند
بگویند: هرگز چنین چیزی وجود ندارد!
چنین باوری مرگ و زندگی را برای شان
آسوده تر خواهد کرد"

▪ عجیب ترین کلمات
شیمپورسکا

تقدیر به آن معنا نیست که مسیر زندگیمان از پیش تعیین شده! به همین سبب اینکه انسان گردن خم کند و بگوید چه کنم تقدیرم این بوده!

نشانه ی جهالت است، تقدیر همه ی راه نیست
فقط تا سر دوراهی هاست، گذرگاه مشخص است
اما انتخاب گردش ها و راه های فرعی دست مسافر است.
پس نه بر زندگی ات حاکمی و نه محکوم آنی"

▪ ملت عشق
الیف شافاک

چه فایده ای دارد که آدم بخواهد
دائم رنج و اندوهش را بازنگری کند؟
مثل این است که یکسره با یک زخم ور بروی
و نگذاری التیام پیدا کند"

▪ پس از تو
جوجو مویز

برای همدل خود لازم نیست همه چیز را بگویی تا او اندکی از تو را بفهمد بلکه کافی است اندکی بر زبان بیاوری تا او همه ی تو را دریابد"

▪ نون نوشتن
محمود دولت آبادی

کسی که به خودش دروغ می گوید
و به دروغ خودش گوش می دهد
کارش به جایی خواهد رسید که هیچ حقیقتی را
نه از خودش و نه از دیگران تشخیص نخواهد داد"

▪ قمار باز

غیر اخلاقی ترین عادت بشر اینست
که مدام و بی وقفه در باره هر کس
و پیش از آنکه بفهمد و درک کند قضاوت می کند!
این آمادگی پر شور برای قضاوت کردن
نفرت انگیزترین حماقت و مخرب ترین شرارتهاست"

▪ وصیت خیانت شده
میلان کوندرا

میخواهم بدانی که دیوانه نشده‌ام، تصمیمات مهم را گرفته‌ام و با اینکه بعضیها را رنجاندم ترک کردنشان بهترین و محبت
آمیزترین کاری بود که می توانستم انجام دهم"

▪ سه گانه نیویورک
پل استر

الیزابت با خودش فکر کرد: جای شکرش باقیست
که هنوز چیزی برای آرزو کردن دارم
اگر همه چیز مطابق خواسته هایم بود حتما افسرده تر میشدم! اما حالا میفهمم که چقدر می شود آرزو داشت
و با امید رسیدن به آنها از زندگی لذت برد
برنامه ای که همه چیزش مطابق میل آدم باشد
هیچ وقت عملی نمی شود"

▪ غرور و تعصب
جین آستین

آدمها دروغ های کسل کننده ای
درباره ی سیاست، خدا و عشق می گویند!
اگر بخواهی چیزی درباره ی خود واقعی کسی بدانی
پاسخ این سوال کمکت می کند:
کتاب مورد علاقه ات چیست"

▪ زندگی داستانی
گابریل زوین

فاصله ها هیچ وقت
دوست داشتن را کمرنگ نمی کند!
بلکه دلتنگی را بیشتر می کند"

▪ شوهر آهو خانوم
علی محمد افغانی

امان از دست ما بچه ها
از روزی که به وجود می آیم
در حق والدینمان ظلم می کنیم
اولین ظلم این است که بدن مادر را خراب می کنیم
بعد بین پدر و مادر فاصله می اندازیم
و مجبورشان می کنیم عشقشان را تقسیم کنند
سپس تمام جوانی و عمر و سرمایه شان را
صرف توقعات رنگارنگ مان می کنیم
اگر شانس بیاورند و صالح باشیم
سرشان را با عروس و داماد و نوه ها
به قدری شلوغ می کنیم
که خودشان را باز هم فراموش می کنند"

▪ ناگهان خورشید
کتابون منفرد

من فکر می کنم
آن چه موجب رنجش آدم ها از یکدیگر می شود
این است که: غالبا ما آدم ها توقع داریم طرف مقابلمان
به تمام وقایع دنیا از زاویه ی دید ما نگاه کند"

▪ طبل جایی
گونتزر گراس

یکی از مهم ترین چیزهایی که
در این سال ها یاد گرفتم اینه که
وقتی خوشبختی رو پیدا کردی
سوال پیچش نکن"

▪ عامه پسند
چارلز بوکوفسکی

برای هر کسی، به اسم توی زندگیش هست که تا ابد هر جایی اونو بشنوه ناخودآگاه بر میگردد به همون سمت یا از روی ذوق، یا
از روی حسرت یا از روی نفرت"

▪ کافکا در کرانه
هاروکی موراکامی

در روی زمین هیچ چیز قطعی نیست و معنای چیزها با وزیدن بادی تغییر می کند و باد دائما می وزد ، چه بدانید چه ندانید"

▪ ژاک و اربابش
میلان کوندرا

خاطرات خیلی عجیب هستند
گاهی اوقات میخندیم به روزهایی که گریه می کردیم و گاهی گریه می کنیم به یاد روزهایی که میخندیدیم"

▪ دیدن دختر صددرصد دلخواه در ماه آوریل
هاروکی موراکامی

شکرگزاری یک نیروی شفافبخش است
و ما را در ارتفاعی بالاتر از غصه های زمینی
قرار میدهد"

▪ شکرانه
لوییز آل هی

هیچ وقت باورمان نمی شود که شاید
آنقدر که بقیه به چشم ما مهم اند
ما برایشان مهم نباشیم"

▪ مرد سوم
گراهام گرین

سانتیاگو: بهتره به چیزایی که ندارم فکر نکنم
به جاش به چیزایی که دارم فکر میکنم
من یه عالمه امید دارم، بهتره به امید فکر کنم"

▪ پیرمرد و دریا
ارنست همینگوی

آرامش خود را به هیچ چیز و هیچ کس وابسته نکن
تا همیشه آن را داشته باشی"

▪ ژوزه ساراماگو
مرد تکثیر شده

فایده اش چیست
که انسان هی از خودش بپرسد
که اگر فلان لحظه یا همان لحظه
جور دیگری برگزار شده بود
کار به کجا می کشید"

▪ بازمانده روز
کازوئو ایشی گورو

گاهی اوقات تصمیم به تمام کردن یک رابطه حتی اگر به قیمت شکسته شدن قلبتان تمام شود بزرگترین لطف در حق خودتان است"

▪ خودت باش دختر
ریچل هالیس

من به هیچ وجه چیزی را مسخره نمی کنم
این قدرت را دارم که به چیزی که نمی توانم درک کنم، احترام بگذارم"

▪ عقاید یک دل‌فک
هاینریش بل

آدمای نیاز دارن به دوره هایی
تنهایی رو توی زندگیشون تجربه کنن
اما بهتر همیشه آگه به اینم فکر کنن
که به روزی قراره این دوره ها تموم بشن"

▪ دیروز
هاروکی موراکامی

در میان کارهای روزانه
و در غوغا و جنجال زندگی
دوباره و دوباره لحظه ای مکث کنید
خاموش باشید و بگذارید
که آرامش خدا در شما جاری شود"

▪ برای آن به سوی تو می آیم
جی پی واسوانی

اگر در جهان راهی یافت می شد
که آب رفته را به جوی بازگرداند
ارزش داشت که به خطاهای گذشته خود ببندیم
ولی به راستی گذشته را باید از آن گذشتگان دانست
گذشته از آن گذشتگان است و آینده از آن توست
مادام که از آن توست ، نگرش دار و افکارت را
نه روی آزاری که در گذشته رسانده ای
بلکه روی کمکی که اکنون می توانی
انجام دهی متمرکز کن"

▪ خرمگس
داقل لیلیان وینیچ

آری، بشر موجود سرسختی ست
من تصور میکنم بهترین تعریفی که
می توان از انسان کرد این است:
انسان عبارتست از موجودی که به همه چیز عادت می کند"

▪ خاطرات خانه مردگان
داستایوفسکی

هرگز هیچ دو انسانی با روحیات و علاقه مندی های مطلقا مشترک یافت نشده است
پس اگر در یک رابطه ی دو نفره
هیچ مشکل و برخوردی به وجود نیاید
به این معناست که یکی از این دو نفر
تمام حرف های دلش را نمی زند"

▪ دیر یا زود
آلبا دسس پدس

حتی یک سکه هم در جیبم نبود، اما
رویاهای بزرگی در سر داشتم"

▪ سنگفرش هر خیابان از طلاست
کیم وو چونگ

همه ی این آدمها وقتشان را سر این می گذارند که آنچه در درونشان هست را توضیح دهند و با خوشحالی تصدیق کنند که
عقایدشان یکی است.
آه که چقدر برایشان مهم است که همه با هم یکجور فکر کنند"

▪ تهوع
ژان پل سارتر

آه!

آیا واقعا باور داری که احتمال
دیدار دوباره وجود دارد؟
اگر مطمئن بودم که دوباره مامان را می بینم،
بی درنگ می مردم"

▪ خاطرات سوگواری
رولان بارت

قوانین هر کشوری، مانند تارهای عنکبوت هستند! ضعفا را به دام می اندازند و توسط قدرتمندان درهم پیچیده می شوند"

▪ شاهزاده سکایی
آنا کارسیس

این نهایت ناشکری است که آدم بخواهد
همه نعمت هایی را که در اختیارش است
فقط به خاطر این که آن چیزی را که می خواسته به دست نیاورده است نادیده بگیرد"

▪ همسران خوب
لوئیزا می آلكوت

سرنوشت تصمیم می گیرد که تو در زندگی
چه کسی را ملاقات کنی اما تنها قلب توست که می تواند تصمیم بگیرد چه کسی در زندگی تو باقی بماند"

▪ امروز
سعیده صدیقی

اغلب آدم ها همیشه همین طورند
اگر کسی را پذیرفتند، همه عیوبش را محسن می بینند
و کوچکترین انتقادی
بر شخص مورد پسند ایشان وارد نیست
و اگر از کسی نفرت پیدا کردند
از همه خصلت های نیکوی او چشم پوشی می کنند
و عیوب او را بزرگ می نمایند"

▪ روزهای برمه
جورج اورول

هر کسی سزاوار فرصتی دیگر است
اما نه برای همان اشتباه"

▪ خشم و هیاهو
ویلیام فاکنر

هر چه زن خوشگل تر باشد
در پیدا کردن خودش
با مشکلات بیشتری روبرو خواهد شد"

▪ راز فال ورق
یوستین گوردن

تنها گناه واقعی این است
آدم تلاش کند خودش را چیزی نشان بدهد
که در اصل نیست"

میوه خارجی
جوجو مویز

دلیل اینکه آدمها به دشواری شاد می شوند
این است که همواره گذشته را بهتر از آنچه بوده
حال را بدتر از آنچه هست و آینده را نامشخص تر از آنچه خواهد بود، می بینند"

▪ ژان دوفلورت و دختر چشمه
مارسل پانیول

ارزشش را دارد از درخت انجیر بالا برویم
تا شاید بتوانیم انجیری بچینیم
این کار بهتر از این است که زیر سایه اش دراز بکشیم و منتظر افتادن میوه بمانیم
در هر حال باید به استقبال خطر رفت"

▪ دخمه
ژوزه ساراماگو

یقین دارم که صبر و حوصله
حالت تسلیم و رضا و عدالت کامل
تنها ثروتی است که انسان
از این جهان با خود همراه می برد
و اینها چیزهایی است که آدمی قادر است
آن را همه روزه بیشتر و کاملتر سازد
و بدون اینکه کوچکترین ترس و واهمه
از مرگ داشته باشد
خود را به سرحد کمال خوشبختی برساند"

▪ تفکرات تنهایی
ژان ژاک روسو

زندگی آنچه زیسته ایم نیست!
بلکه همان چیزی است که در خاطرمان مانده
و آن گونه است که به یادش می آوریم تا روایتش کنیم"

▪ زنده ام که روایت کنم
گابریل گارسیا مارکز

می خواهم اقلا یک نفر باشد
که من با او از همه چیز همانطور حرف بزنم
که با خودم حرف میزنم"

▪ ابله

ما آدمیان نقطه ضعف بسیار شناخته شده ای داریم
که وقتی چیزی را از دست می دهیم
به گونه ای اغراق آمیز عزیزش می داریم
و چشم پوشی از آن را غیر ممکن می دانیم"

▪ سفر به شرق
هرمان هسه

وقتی کسی را دور انداختیم
دیگر نباید سعی کنیم اشتباهاتش را تشریح کنیم
وقتی دنبال چراهای اشتباهات او می رویم
که هنوز او را کاملا دور نینداخته باشیم"

▪ زندگی جنگ و دیگر هیچ
اورینا فالاجی

اگر برای شکرگزاری وقت صرف نکنی
هرگز نعمت بیشتری نخواهی داشت
و تمامی نعماتی را هم که داری از دست خواهی داد
و عده معجزه که با شکرگزاری رخ میدهد
در این عبارت نهفته است:
اگر شاکی باشی نعمت بیشتری به تو داده میشود"

▪ راز
راندا برن

آنچه ذهن انسان می تواند
به آن بیندیشد و باور داشته باشد
مطمئنا می تواند به آن دست یابد"

▪ بیندیشید و ثروتمند شوید
ناپلئون هیل

منتظر مردی نباش که باهات کنار بیاد
این اشتباهیه که خیلی از زنها دچارش میشن
تو خودت خوشبختی رو پیدا کن"

▪ مرگ خوش
آلبر کامو

آدم ها مثل آب در یک تالاب هستند
شما نمی توانید کف تالاب را ببینید
و فکر می کنید کم عمق است
اما فقط وقتی که شیرجه بزنید می فهمید
عمق واقعی آن چقدر است"

▪ راز مادرم
جی ال ویتزیک

علت اینکه دنیا در حال حاضر
به چنین وضع اسفناکی افتاده این است که
همه کارشان را نیمه کاره انجام می دهند
افکارشان را نیمه کاره بیان می کنند
و گناهکار بودن یا پرهیزگار بودنشان هم نیمه کاره است.
ای بابا! تا آخر برو و محکم بکوب
و نترس که موفق خواهی شد"

▪ زوربای یونانی
نیکوس کازانتزاکیس

زندگی خیلی کوتاه است
چیزی به من ببخش که دوستش داشته باشم
و من چیزی جز حقیقت را دوست ندارم
همان چیزی را به من ببخش که خودت هستی"

▪ همه گرفتارند
کریستین بوین

شاید این در طبیعت بشر باشد
که هر گاه کسی از روی فروتنی واقعی
یا از ضعف و یا از بی اعتنائی
هر چیزی را تحمل کند
ما میل داریم همه چیز را بر او تحمیل کنیم"

▪ بابا گوریو
اونوره دوبالزاک

وقتی آدم جرات خیال پردازی را داشته باشد
معجزه های زیادی رخ می دهد
مشکل این است که مردم هیچ وقت
چیزهای غیر ممکن را تصور نمی کنند"

▪ آلیس در سرزمین عجایب
لوئیس کارول

قصه مردن ندارم و مبارزه خواهم کرد
اما اگر بازی را باختی باشم
می خواهم که خوب تمام کنم"

▪ طاعون
آلبر کامو

نصف اشتباهاتمان ناشی از این است
که وقتی باید فکر کنیم، احساس می کنیم
و وقتی که باید احساس کنیم، فکر می کنیم"

▪ به آواز باد گوش بسپار
هاروکی موراکامی

اگر کسی به ما بگوید که عاشق گل است
اما ببینیم که اغلب فراموش می کند
به گل هایش آب بدهد
عشق او را به گل باور نمی کنیم
عشق عبارتست از رغبت جدی به زندگی
و پرورش آنچه بدان مهر می ورزیم
زمانی که رغبت جدی وجود نداشته باشد
عشقی هم در کار نیست"

▪ هنر عشق ورزیدن
اریک فروم

من واقعی چیست؟
همان چیزی است که تو هستی
نه آن چیزی که دیگران از تو می سازند"

▪ ورونیکا تصمیم میگیرد بمیرد
پائولو کولینو

چقدر دردناک است این مشکل که همیشه
برای فرار از دست یک آدم
به آدم دیگری پناه برده ایم
اعتیاد به آدم ها بدترین نوع اعتیاد است"

▪ جاده انقلابی
ریچارد یاتس

ما در زندگی، همه تنگاتنگ هم افتاده ایم

فکر میکنم هنر اصلی، هنر فاصله ها باشد
زیاد نزدیک به هم، میسوزیم
زیاد دور از هم، یخ می زنیم"

▪ دیوانه وار
کریستین بوین

وقتی به یکی زیادی تو زندگی اهمیت بدی
اهمیتت رو توی زندگی از دست میدی
به همین راحتی"

▪ خشم و غرور
اورینا فالاجی

یک عمر در انتظاری تا بیایی آن را که درکت کند
و تو را همان گونه که هستی بپذیرد و عاقبت در می یابی که او از همان آغاز خودت بوده ای"

▪ یادداشت های مرد فرزانه
ریچارد باخ

هیچ وقت نمی توانی
چیزی را که قرار است از دست بدهی نگه داری
تو فقط قادر هستی چیزی را که داری
قبل از آنکه از دستت برود
عاشقانه دوست داشته باشی"

▪ به خاطر وین دیکسی
کیت دی کامیلو

زندگی به من آموخت
آدمها نه دروغ میگویند، نه زیر حرفشان میزنند
اگر چیزی می گویند
صرفاً احساسشان در همان لحظه ست و
نباید روش حساب کرد"

▪ خانواده های خوشبخت
کارلوس فوننتس

اگر برای کسی مهم باشی
او همیشه راهی برای
وقت گذاشتن با تو پیدا خواهد کرد
نه بهانه ای برای فرار و نه دروغی برای توجیه"

▪ قهرمانان و گورها
ارنستو ساباتو

حس کردم که چقدر دلم واسه خودم تنگ شده
تلخ ترین حس دل‌تنگی، دل‌تنگی واسه خودته
واسه کسی که بودی"

▪ آنتارکتیکا
روزبه معین

برای داشتن رابطه ی درست با دیگران
نخست باید رابطه داشتن با خود را بیاموزیم
اگر نتوانیم با تنهایی خودمان کنار بیاییم
دیگران را نیز در رابطه ها صرفاً
به سپری در برابر تنهایی خویش بدل می کنیم"

▪ روان درمانی اگزیستانسیال
اروین د یالوم

امروز که زنده ای ، زندگی کن ، فردا خواهی مرد
همان طور که یک ساعت پیش بایست مرده باشی
وقتی که سراسر زندگی ات در برابر ابدیت
لحظه ای بیش نیست چه جای آن است که خود را عذاب دهی"

▪ جنگ و صلح
لئو تولستوی

کسی چه می داند؟
شاید همه ی آرزوهای ما همین طورند
شاید تمام آرزوهایمان جایی منتظرند
منتظرند که ما آنها را از ته دل بخواهیم تا برآورده شوند"

▪ آرزوهای کوچک
کارن هس

از تمام دشواری هایی که آدم باید با آن روبرو شود
هیچ چیز به اندازه ی عمل ساده ی انتظار کشیدن مجازات کننده نیست"

▪ هزار خورشید تابان
خالد حسینی

من قدرتمندتر از خورشیدم

قدرتمندتر از آدم ها و بهارم
اما خاطره ای که هر وقت بخواهد می آید
و فرار از آن شدنی نیست
قدرتمندتر از من است"

▪ دیگری
آرتور شنیتسلر

تنها چیزی که در زندگی به آن نیاز دارم
این است که یک نفر مرا درک کند"

▪ عشق در زمان وبا
گابریل گارسیا مارکز

تجربه به ما می آموزد که عشق
آن نیست که به هم خیره شویم
عشق آن است که هر دو به یکسو بنگریم"

▪ زمین انسان ها
آنتوان دو سنت اگزوپری

هرکس حق داره هر جور میخواد فکر کنه
و توقع داشته باشه که دیگران هم
به عقایدش احترام بگذارند
اما من قبل از اینکه با دیگران زندگی کنم
باید بتونم با خودم زندگی کنم
وجدان آدم تنها چیزیه که نمیتونه
تابع نظر اکثریت باشه"

▪ کشتن مرغ مینا
هارپر لی

مشکل ترین چیز
این است که از جای بلند شوی
بدون آنکه جایی باشد که به آنجا بروی"

▪ کاناپه قرمز
میشل لیر

باید یکبار به خاطر همه چیز گریه کرد
آن قدر که اشک ها خشک شوند
باید این تی اندوهگین را چلاند و بعد دفتر زندگی را ورق زد ، به چیز دیگری فکر کرد باید پاها را حرکت داد و همه چیز را از
نو شروع کرد"

▪ من او را دوست داشتم
آنا گاوآلدا

فراموش نکن که خوش قلبی تو را قشنگ می کند
و در نظر دیگران زیبا جلوه می دهد
حتی اگر رنگت سیاه باشد"

▪ بلندی های بادگیر
امیلی برونته

اغلب فکر می کنیم اینکه به یاد کسی هستیم
منتهی است بر گردن آن شخص
غافل از اینکه اگر به یاد کسی هستیم
این هنر اوست نه ما
به یاد ماندنی بودن
بسیار مهم تر از به یاد بودن است"

▪ تنهایی پر هیاهو
بهومیل هرابال

اگر رازم را مسکوت نگه دارم،
آن راز زندانی من است
اگر بگذارم از دهانم خارج شود،
این منم که زندانی آنم
بار درخت سکوت، میوه ی آرامش است"

اروین یالوم
درمان شوپنهاور

رابطه ی آدم ها یخچال و لباسشویی نیست
که گارانتی داشته باشد
یک روز هست و یک روز نیست
و اگر کسی تضمینی بدهد ، دروغ گفته است"

▪ رویای تبت
فریبا وفی

عشقی که در آن احترام نباشد، عشق نیست
و فرار از آن نه تنها شکست نیست
که بزرگترین پیروزی است"

▪ با او برو

انیس لودیگ

توانایی آرام ماندن
از جمله مهارت های بسیار مهم در زندگی است
که بسیار نادیده گرفته شده است
بدترین تصمیمات را هنگامی می گیریم
که آرامشمان را از دست داده ایم
یا دچار اضطراب و آشفتگی شده ایم
قرار نیست با تنفس عمیق با نوشیدن دمنوش
به آرامش برسیم ، بلکه باید در موردش فکر کنیم"

▪ آرامش
آلن دوباتن

آدم ها خیلی وقته چیزی رو کشف نمی کنند
اون ها هرچی که احتیاج دارن رو از مغازه می خرنند
ولی چون تو مغازه ها دوست نمی فروشند اونا همیشه تنها هستند

▪ شازده کوچولو
آنتوان دوست اگزوپری

چون دیگر آینده ای ندارند، از گذشته حرف می زنند
وقتی خیلی دویده باشیم و نقصمان بند آمده باشد
برمی گردیم و راهی را که دویده ایم، اندازه می گیریم"

▪ میرا
کریستوفر فرانک

تلخ ترین قسمت زندگی اونجاست
که آدم به خودش میگه:
چی فکر میکردیم و چی شد"

▪ خواب زمستانی
گلی ترقی

از همین میترسم که به کسی یا چیزی عادت کنی
اون وقت اون کس یا اون چیز قالت بذاره
اون موقع دیگه هیچی برات باقی نمی مونه
میفهمی چی می خوام بگم؟
از کسانی که میزارن میرن خوشم نمیاد"

▪ خداحافظ گاری کوپر
رومن گاری

برای دوست داشتن وقت لازم است
اما برای نفرت گاهی فقط
یک حادثه، یک ثانیه، کافی است"

▪ دل کور
اسماعیل فصیح

سکوت همیشه به معنای رضایت نیست
گاهی یعنی خسته ام از اینکه
مدام به کسانی که هیچ اهمیتی
برای فهمیدن نمی دهند، توضیح دهم"

▪ به کی سلام کنم؟
سیمین دانشور

همه چیزهای از دست رفته یک روز بر می گردند
اما درست وقتی که یاد می گیریم
بدون آنها زندگی کنیم"

▪ همه نام ها
ژوزه ساراماگو

زمان کمکی به فراموش کردن نمی کند
اما کمک می کند عادت کنیم
درست مثل چشمانی که به تاریکی عادت می کنند"

▪ کمی قبل از خوشبختی
انیس لودینگ

هیچ اشکالی ندارد احساساتی داشته باشیم
که دیگران چیزی از آن درک نکنند
هر کسی سفر خودش را می رود"

▪ من پس از تو
جوجو مویز

آدم ها آن قدر زود عوض می شوند
که تو فرصت نمیکنی به ساعتت نگاه بندازی
و ببینی چند دقیقه بین دوستیها و دشمنی ها
فاصله افتاده است"

▪ چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم
زویا پیرزاد

ترجیح میدم خودم باشم
خودم باشم و دماغ باشم بهتره
تا اینکه کسی دیگه باشم و خوش باشم"

▪ دنیای قشنگ نو
آلدوس هاکسلی

آنچه که شکست، شکسته و من ترجیح می‌دهم که در خاطره‌ی خود همیشه آن را به همان صورتی که روز اول بود حفظ کنم تا اینکه آن تکه‌ها را به هم بچسبانم و تا وقتی زنده‌ام آن ظرف شکسته را مقابل چشم ببینم"

▪ بر باد رفته
مارگارت میچل

آدمها هیچ وقت تنها نیستند
وقتی آدم تنها شد کافی است
کسانی را که دوست دارد در نظر مجسم کند
مجسم کند که آن آدمها در ذهن او حضور دارند
کاری ندارد، همین"

▪ ناپدیدشدگان
آریل دورفمان

تنها یک سرنوشت محتوم وجود دارد و آن مرگ است.
جز این جبر دیگری نیست!
در فاصله‌ی زمانی میان تولد و مرگ
هیچ چیز از پیش تعیین شده نیست
همه چیز را می‌توان تغییر داد
می‌توان جنگ را متوقف کرد
و حتی صلح را حفظ کرد
فقط به این شرط که خواهی و همیشه خواهی"

▪ یادداشتها
آلبر کامو

نیازی نیست انسان‌ها را امتحان کنید
کمی صبر کنید خودشان امتحانشان را پس میدهند"

▪ مردان بدون زن
ارنست همینگوی

آنچه انسان ها را از پا در می آورد
رنج ها و سرنوشت نامطلوبشان نیست!
بلکه بی معنا شدن زندگی است که مصیبت بارتر است
و معنا تنها در لذت و شادمانی و خوشی نیست
بلکه در رنج و مرگ هم می توان معنایی یافت"

▪ انسان در جستجوی معنی
ویکتور فرانکل

عشق مثل آتیشه!
آدمای عاقل خودشونو کنارش گرم می کنن
و آدمای احمق خودشونو می سوزونن"

▪ محرمانه های رومنو و ژولیت
حسین یعقوبی

اگر روزی دنیا را دوست نداشتی،
جایت را عوض کن
تا از زاویه ای دیگر به آن بنگری
دنیا از بعضی زوایا دوست داشتنی ست
و در بعضی زوایا نه
در بعضی از زوایا بهتر و زیباست
در بعضی زوایا تاریک و خسته کننده
یادت باشد تو باید جاییت را عوض کنی
چرا که دنیا هرگز از جایش تکان نخواهد خورد"

▪ راه طولانی بود از عشق حرف زدیم
رسول یونان

یکی از تفاوت های جوانی و سالمندی
این است که وقتی جوانیم
آینده های مختلفی برای خود اختراع میکنیم
و وقتی پیر می شویم
گذشته های مختلفی برای دیگران"

▪ درک یک پایان
جولین بارنز

اگر به این می اندیشی که دیگران
چگونه به تو می اندیشند
یا از دیگران می ترسی
یا به خودت باور نداری"

▪ روزگار سپری شده مردم سالخورده
محمود دولت آبادی

بعضی ها اینجورین، وقتی به نیش می خورن
فکر می کنن آگه دیگرونم نیش بخورن
درد اونا کمتر میشه"

▪ چوب به دستهای ورزیل
غلامحسین ساعدی

خیلی به چیزی وابسته نباش
فرض کن آنچه در اختیار داری
چیزی است که جهان به طور موقت به تو داده است
و می تواند در یک چشم بر هم زدن آن را
یا حتی بیشتر از آن را از تو پس بگیرد"

▪ هنر شفاف اندیشیدن
رولف دوبلی

دردی که به سوی زندگی باز می شود
به طرف انسان نمی آید
بلکه انسان باید به سوی آن برود"

▪ آرزوهای بزرگ
چارلز دیکنز

نمی دانم کدام درد بزرگتر است
دردی که آن را بی پرده تحمل می کنی
یا دردی که به خاطر
ناراحت نکردن کسی که دوستش داری
توی دلت می ریزی و تاب می آوری"

▪ داستان های واقعی از زندگی آمریکایی
چارلز بوکوفسکی

چیزهایی هست خیلی بدتر از تنهایی
اما سالها طول می کشد تا این را بفهمی
وقتی هم که آخر سر می فهمی اش
دیگر خیلی دیر شده و هیچ چیز بدتر از خیلی دیر نیست"

▪ سوختن در آب، غرق شدن در آتش
پل استر

کلمات همیشه این قدرت را ندارند
که آدمهای خیلی خوشحال
یا خیلی غمناک را ارضا کنند
زیرا آخرین بیان خوشحالی زیاد
و غم زیاد، سکوت است"

▪ دشمنان
آنتوان چخوف

گاهی باید به دور خود یک دیوار تنهایی کشید
نه برای اینکه دیگران را از خودت دور کنی
بلکه ببینی چه کسی برای دیدنت
دیوار را خراب میکند"

▪ نمایشنامه دست های آلوده
ژان پل سارتر

وای بر آن روزی که چیزی حتی عشق عادتمان شود
عادت همه چیز را ویران می کند
از جمله عظمت دوست داشتن را
تفکر خلاق را، عاطفه ی جوشان را
عاشق کم است، سخن عاشقانه فراوان
روزگاری ست چه بد که دیگر کلام عاشقانه دلیل عشق نیست و آواز عاشقانه خواندن دلیل عاشق بودن"

▪ یک عاشقانه آرام
نادر ابراهیمی

نذار ابهت هیچ آدم خبره ای تو رو بگیره
اون بهت میگه که:
دوست عزیز، من بیست ساله که این کارمه!
آدم ممکنه کاری رو بیست سال تموم هم غلط انجام بده"

▪ بعضی ها هیچ وقت نمی فهمن
کورت توخولسکی

همیشه فرصتی برای شروع کردن می توان یافت
در حالی که ما اکثر اوقات به تمام کردن فکر می کنیم"

▪ درون یک آینه، درون يك معما
باستین گوردن

آدم رویایی خاکستر رویاهای گذشته اش را بیخودی بهم میزند، به این امید که در میانشان حداقل جرقه کوچکی پیدا کرده و فوتش کند تا دوباره جان بگیرند
تا این آتش احیا شده، قلب سرمازده او را گرم کند
و همه آنهایی که برایش عزیز بودند، برگردند"

▪ شبهای روشن
فنودور داستایوفسکی

انسان، آهسته آهسته عقب نشینی می کند
هیچکس یکبارہ معتاد نمی شود
یکبارہ سقوط نمی کند، یکبارہ وا نمی دهد
یکبارہ خسته نمی شود، رنگ عوض نمیکند
تبدیل نمی شود و از دست نمی رود
زندگی بسیار آهسته از شکل می افتد
و تکرار خستگی بسیار موزیانه و
پاورچین رخنه می کند قدم اول را،
اگر به سوی حذف چیزهای خوب برداریم
شک مکن که قدم های بعدی را شتابان
بر خواهیم داشت"

▪ چهل نامه کوتاه به همسر
نادر ابراهیمی

آدم وقتی جوان است،
به پیری جور دیگری فکر می کند
فکر می کند پیری یک حالت عجیب و غریبی است!
که به اندازه ی صدها کیلومتر
و صدها سال از آدم دور است
اما وقتی به آن می رسد
می بیند هنوز همان دخترک پانزده ساله است
که موهایش سفید شده، دور چشم هایش چین افتاده
پاهایش ضعف می رود و دیگر نمی تواند
پله ها را سه تا یکی کند
و از همه بدتر بار خاطره هاست
که روی دوش آدم سنگینی می کند"

▪ چهل سالگی
ناهدید طباطبایی

مرگ خیلی آسان می تواند الان به سراغ من بیاید
اما من تا می توانم زندگی کنم
نباید به پیشواز مرگ بروم
البته اگر يك وقت ناچار با مرگ روبرو شدم
که می شوم، مهم نیست

مهم این است که زندگی یا مرگ من
چه اثری در زندگی دیگران داشته باشد"

▪ ماهی سیاه کوچولو
صمد بهرنگی

مترسك: من مغز ندارم ، تو سرم پر از پوشاله!
دوروتی: آگه مغز نداری پس چه جوری حرف میزنی؟
مترسك: نمیدونم ولی خیلی از آدمها هم هستند
که بدون مغز یه عالمه حرف میزنن"

▪ جادوگر شهر از
ال.فرانک باوم

هر چند احمقانه ولی بخشی از وجودم
از این حقیقت به درد آمده بود
چرا ما آدم ها همیشه به محبت کسی که
بیشتر از همه ما را نادیده می گیرد محتاج تریم"

▪ دوست داشتن آقای دنیلز
بریتنی سی جری

دنیا پر از افرادی است که منتظرند کسی از راه برسد
و به آنها انگیزه بدهد تا به فردی تبدیل شوند که آرزو دارند.
مسئله این است که هیچ نجات دهنده ای نیست
این افراد منتظر رسیدن اتوبوس ایستاده اند
اما در خیابانی که هیچ اتوبوسی از آن نمی گذرد
در نتیجه اگر این اشخاص
مسئولیت زندگی خود را بر عهده نگیرند
و خود را تحت فشار قرار ندهند
ممکن است برای همیشه منتظر بمانند
و این کاری ست که اکثر مردم انجام می دهند"

▪ قورباغه را قورت بده
برایان تریسی

مرا با حقیقت بیازار
اما هرگز با دروغ، آرام نکن!

▪ جان شیفته
رومن رولان

اثر انگشت ما،
از قلب هایی که لمسشان کردیم

هیچ وقت پاک نمی شود"

▪ زن ها
چارلز بوکوفسکی

در حالی که روزمان را سپری می کنیم
باید به تناوب درنگ کنیم و درباره ی این حقیقت تامل کنیم که ما همیشه زنده خواهیم بود و از این رو ممکن است امروز آخرین
روز زندگی مان باشد
چنین تأملی به جای آن که ما را به لذت گرایی سوق دهد بر آن می دارد که قدردان فرصت زندگی باشیم
و از این که زنده ایم و میتوانیم امروزمان را
با فعالیت پر کنیم به وجد آییم"

ویلیام بی، اروین
فلسفه ای برای زندگی

خداوند برای هرکس همونقدر وجود داره
که او به خداوند ایمان دارد
این یک رابطه دوطرفه است"

▪ روی ماه خداوند رو ببوس
مصطفی مستور

و بیش از هر کلمه ای باید از همیشه ها و هرگزها
و هیچوقت ها و هیچ کجاها پرهیز کرد"

▪ دال دوست داشتن
حسین وحدانی

از گورخر پرسیدم: آیا تو سیاه هستی با خط های سفید
یا که سفیدی با خط های سیاه؟
و گورخر از من پرسید: آیا تو خوبی با عادت های بد
یا که بدی با عادت های خوب؟
آیا آرامی بعضی وقت ها شلوغ یا شلوغی بعضی وقتا آرام؟
آیا شادی بعضی روزها غمگین یا غمگینی بعضی وقتا شاد؟
و همچنان پرسید و پرسید و پرسید
دیگر هیچ وقت از گورخری
درباره رنگ پوستش نخواهم پرسید"

▪ پاک کن جادویی
شل سیلور استاین

نگرانی مثل همان قطره، قطره، قطره آب عمل می کند و قطره قطره، قطره انسان را به دیوانگی می کشاند نگرانی قوی ترین آدم ها را هم از پای در می آورد ترس، نگرانی، نفرت، خودخواهی و ناتوانی در سازش با جهان اطراف و واقعیت علت اصلی بیماریها و زخمهای گوارشی هستند"

▪ آیین زندگی
دیل کارنگی

زندگی کنید و خوشبخت باشید، هرگز فراموش نکنید
که تا روزی که خداوند بخواهد آینده انسان را آشکار کند همه ی شناخت انسان در دو کلمه خلاصه میشود: صبر و امید

▪ کنت دو مونت کریستو
الکساندر دوما

همیشه در زندگی هر کس
یک دماغه ی صخره ای وجود دارد
که یا به سلامت از آن می گذرد
یا کشتی اش به آن می خورد و متلاشی می شود
مشکل اینجاست که تو همیشه نمی توانی
دماغه ی صخره ای زندگی ات را تشخیص بدهی
گاهی دریا کاملاً مه آلود است
و تو قبل از آن که ملتفت بشوی،
به صخره خورده ای"

▪ دشمن عزیز
جین ویستر

اگر آدم ها، غم را با هم تقسیم نکنند
غم، آدم ها را تقسیم می کند

▪ مردی به نام اوه
فردریک بکمن

وقتی که احساس تنهایی می کنید و به تنگ آمده‌اید احتمال آن که انتخاب های ضعیف تری بکنید بالا می رود؛ با شکم خالی به خرید نروید، چون هر غذای ناسالمی را انتخاب خواهید کرد"

▪ آیا تو آن گمشده‌ام هستی؟
باربارا دی آنجلس

آینده تبدیل به حال و حال به گذشته
و گذشته به یک ندامت جاودانه تبدیل می شه
اگه تو زندگی‌ت نقشه نداشته باشی"

▪ باغ وحش شیشه ای
تنسی ویلیامز

هر صبح یک روز جدید در انتظار ماست
انسان ها می گویند که اگر خوش شانس
باشی بهتر است!
اما من ترجیح می دهم که هوشیار باشم
چرا که وقتی شانس به سراغم بیاید
از دستش نخواهم داد"

▪ پیرمرد و دریا
ارنست همینگوی

وقتی مردهای همسایه
آن قدر دیر به خانه می روند تا طفل ها بخوابند
که نان از دست خالی پدر نخواهند
چه جای عسرت"

▪ هزار داستان
علی حاتمی

بدون شک، خمیر مایه ما طوری است که همه چیز را
با خودمان و خودمان را با همه چیز مقایسه می کنیم
از این رو خوشبختی یا بدبختی مان
بستگی به چیزهایی دارد
که معیار مقایسه قرارشان می دهیم"

▪ رنج های ورتنر جوان
گوته

سیمون با بدن کوچک و آفتاب سوخته
خود همانجا ایستاد. حتی اگر چشمهایش
را می بست، نمی توانست تصویر کله خوک
را از فکر خود دور کند. چشمان نیم بسته
و بی حالت خوک که ردپایی از بدبینی خاص
دنیای بزرگترها در آن دیده می شد، گوئی
میخواست سیمون را مطمئن کند که چقدر
همه چیز زشت و بد است"

▪ سالار مگس ها
ویلیام گلدینگ

آیا هر خنده ای نشانه شادکامی است؟

▪ مردی که می خندد

ویکتور هوگو

آگه آدم کسی رو نداشته باشه دیوونه
میشه. فرق نمیکنه طرف آدم کی باشه.
هرکی میخواد باشه! اما پهلوت باشه"

▪ موش ها و آدمها
جان اشتاین بک

فکر نمیکنم ما کور شدیم. ما کور هستیم،
کوری که می بیند. کورهایی که می توانند
ببینند، ولی نمی بینند"

▪ کوری
ژوزه ساراماگو

ژولیت: تو اینجا چه می کنی؟ چگونه تا اینجا
آمده ای؟ دیوار عمارت بسیار بلند است.
رومنو: دیوار سنگی نمی تواند عشق را بیرون
نگه دارد"

▪ رومنو و ژولیت
ویلیام شکسپیر

در عالم سکوت رنج می بردم و سعی می کردم
همان فرزندی باشم که پدرم دوست داشت؛
اما کار ساده ای نبود"

▪ رابینسون کروزو
دانیل دفو

این هم حقیقتیست تلخ که حتی اشخاص
بزرگ نیز اقوام تنگدست دارند"

▪ داستان دو شهر
چارلز دیکنز

می شود یکی هم شجاع باشد
و هم ترسیده باشد؟
پدر گفت: این تنها زمانی است
که یک مرد می تواند شجاع باشد"

▪ نغمه یخ و آتش؛ جلد اول
جرج آر.مارتین

شما فقط یکبار می میرید، پس کاری کنید
که اون لحظه فراموش نشدنی باشه"

▪ مغازه خودکشی
آژان تولی

هیچ چیز بیش از داشتن هدفی ثابت،
روح را آرامش نمی بخشد"

▪ فرانکشتاین
مری شلی

کسی که می خواهد کوه را جابجا کند،
با حمل سنگهای کوچک شروع می کند"

▪ کفش فروش پیر
فیل نایت

کسایی که دوشون داریم هیچ وقت واقعا
ما رو ترک نمیکنن هری. چیزهایی هست که
مرگ نمیتونه لمسش کنه؛
نقاشی، قاب عکس، خاطره و عشق، هری "

▪ هری پاتر و فرزند نفرین شده
جی. کی. رولینگ

اگر سواری بلد نیستی،
دست کم افتادن را که بلدی؟
شستا گفت: فکر میکردم افتادن دیگر بلدی نخواهد.
منظورم این است که وقتی افتادی،
می توانی بدون گریه و زاری دوباره بلند شوی
و سواری کنی و دوباره بیفتی و باز هم از
افتادن نترسی؟

▪ ماجراهای نارنیا؛ جلد سوم
سی. اس. لوئیس

اگر بگردید البته معمول چیزی پیدا میکنید.

اما چیزی که پیدا کرده اید همیشه
دقیقا همان چیزی نیست که دنبالش می گشتید"

▪ هابیت
جی. آر. آر. تالکین

صبح وقتی که درها بسته بود، همهی
اهل خانه می خواستند به اتاقش هجوم
بیاورند و حالا که درها باز بود کسی
نمی آمد او را ببیند؛ حتی کلیدها را از
پشت به در گذاشته بودند"

▪ مسخ
فرانتس کافکا

همیشه وحشتی که در ذهن ریشه می کند
خیلی بدتر از چیزی است که به چشم دیده
می شود"

▪ درون آب
پائولا هاوکینز

مرگ یا آزادی ام در دستان خودم است"

▪ جک گول کش
ریچارد دوپل

از ملاقاتتون جدا خوشحال شدم درد
دوست داشتنی"

▪ بیست هزار فرسنگ در خیال
احمد ملک نژاد

توی این دنیا نمیتونی انتخاب کنی که آسیب
نبینی، ولی میتونی انتخاب کنی چه کسی
بهت آسیب برسونه"

▪ اشتباه در ستاره های بخت ما
جان گرین

کاری که باید بکنی این است که به همان
چیزهایی که نمی توانی باور داشته باشی،

معتقد باشی. باید باور و ایمان داشته باشی.
می توانی این کار را بکنی"

▪ دراکولا
برام استوکر

من نفهمیدم کی آدم خوبه و کی آدم بد!
همیشه آدم ها خوب یا بد نیستن کاتر.
گاهی آدم ها چیزی بین خوب و بد هس"

▪ هیولایی را فرا می خواند
پاتریک نس

برای کشف ذهنیات مردم
به خودت زحمت نده
بهترین کسانی را از دست میدی
ذهن مردم با ظاهرشان خیلی فرق داره"

▪ بازگشت
احمد محمود

بزرگ علوی
چشمهایش
گاهی آدم ندانسته دنبال چیزی می رود
وقتی آن را پیدا نمی کند
اصلا خود را گم شده احساس می کند"

▪ چشمهایش
بزرگ علوی

بعضی از آدم ها را دوست می دارم
آدم هایی که گاهی بی آنکه بدانیم چرا
دوستشان می داریم"

▪ برادران کارامازوف
فئودور داستایفسکی

من می گویم آدم اگر
کسی را دوست داشته باشد
باید با صدای بلند بگوید"

▪ آینه های درد دار
هوشنگ گلشیری

آنقدر مدارا کرده ام
که دیگر مدارا عادتت شد"

▪ سووشون
سیمین دانشور

هی چرا هیچ چیز همین حالا نیست"

▪ متن های برای هیچ
ساموئل بکت

انسان ممکن است با یک نفر بیست
سال زندگی ایک غریبه باشد.
می تواند با یک نفر بیست دقیقه وقت بگذراند
و تا آخر عمر فراموشش نکند"

▪ اگر خورشید بمیرد
اوربانا فالاجی

یک چیزهایی هست که نه می شود
به دیگری فهماند. نه میشود گفت
آدم را مسخره می کنن"

▪ زنده به گور
صادق هدایت

انسان می تواند بی آنکه انسان بزرگی باشد
انسانی آزاده باشد. اما هیچ انسانی نمی تواند
بی آنکه آزاده باشد. انسان بزرگی باش"

▪ دلواپس شادمانی تو هستم
جبران خلیل جبران

ناراحت شدن از یک حقیقت
بهتر از تسکین یافتن با یک دروغ است"

▪ بادبادک باز
خالد حسینی

مگر آن که پیش از آن در دنیای ذهن رخ داده

باشد. برای این که دنیایی زیبا برای خود
بیافرینید نخست باید ذهن خود را زیبا کنید
و برای این که ذهنتان را زیبا کنید پیش از آن
باید مهار و کنترل ذهنتان در دست بگیرید"

▪ کنترل ذهن
خوزه سیلوا

فقط با سایه خودم خوب می توانم حرف
بزنم، اوست که مرا وادار بحرف زدن میکند،
فقط او می تواند مرا بشناسد، او حتما
میفهمد. می خواهم عصاره، نه شراب تلخ
زندگی خودم را چکه چکه در گلوی خشک
سایه ام چکانیده به او بگویم: این زندگی
منست"

▪ بوف کور
صادق هدایت

چه وحشتی! می دیدم که این مردان آینده،
درین کلاس ها و امتحان ها آن قدر خواهند
ترسید و مغزها و اعصاب شان را آن قدر به
وحشت خواهند انداخت که وقتی دیپلمه
بشوند یا لیسانسیه، اصلا آدم نوع جدیدی
خواهند شد. آدمی انباشته از وحشت!
انبانی از ترس و دلهره. آدم وقتی معلم
است، متوجه این چیزها نیست. چون طرف
مخاصم است. باید مدیر بود، یعنی کنار
گود ایستاد و به این صف بندی هر روزه و
هر ماهه ی معلم و شاگرد چشم دوخت تا
دریافت که یک ورقه ی دیپلم یا لیسانس
یعنی چه؟ یعنی تصدیق به این که صاحب
این ورقه دوازده سال یا پانزده سال تمام و
سالی چهار بار یا ده بار در فشار ترس قرار
گرفته و قدرت محرکش ترس است و ترس
است و ترس"

▪ مدیر مدرسه
جلال آل احمد

فرقی بزرگی است میان کسی که تنها مانده
و کسی که تنهایی را انتخاب کرده است"

▪ صد سال تنهایی
گابریل گارسیا مارکز

علوفه حیوانات کم و کمتر می شد.
همه به جان هم افتاده بودند.
حالا دیگر ادای احترام به یادبود موسس
مزرعه نه بخاطر احترام و اعتقاد که فقط
از سر اجبار و ترس بود
گوسفندان بیشتری به کشتارگاه برده
می شدند و صاحب مزرعه مدام از
دسیسه های دشمنی خونخوار به نام "گرگ"
به عنوان سر منشا تمامی مشکلات سخن
می گفت"

▪ قلعه حیوانات
جورج اورول

در ابتدای زندانی شدنم
چیزی که بر من بسیار ناگوار می آمد
این بود که افکاری مانند افکار یک انسان
آزاد داشتم"

▪ بیگانه
آلبر کامو

وقتی عقل از بین رفت، آخرین تصمیم
متعلق به کسی است که اراده ای محکم
داشته باشد و بهترین اسلحه دفاعی انسان
در حملات شدید می باشد"

▪ نبرد من
آدولف هیتلر

در مقابل درد هیچ کس نمی تواند قهرمان
بماند. هیچکس"

▪ 1984
جورج اورول

باید یاد بگیریم دوستی مونو با آدمها
تا موقعی که زنده نمانند بشود بدیم
نه بعد از مردن شون"

▪ گتسبی بزرگ
اسکات فیتزجرالد

تجربه به من نشان داده
که خوشبختی در خانه های ساده ای ست
که به اندازه ی نیاز در آنها پول می آید
و بعضی محرومیت ها طعم زندگی را
شیرین تر می کنند"

▪ زنان کوچک
لویزا می آلکوت

مردن چیزی نیست
زندگی نکردن هولناک است"

▪ بینوایان
ویکتور هوگو

باید یاد بگیرید نمی توانید محبوب همگان
باشید. شما می توانید بهترین آلوی دنیا باشید،
رسیده، آبدار، شیرین و خوشمزه. اما یادتان باشد،
هستند آدمهایی که آلو دوست ندارند. باید بفهمید
که اگر مرغوبترین آلو هستید، اما دوست شما آلو
دوست ندارد، حالا می توانید انتخاب کنید که موز
بشوید، اما باید متوجه باشید که اگر تصمیم بگیرید
موز بشوید، همیشه یک موز درجه دوم خواهید
بود، در حالی که می توانستید برای همیشه بهترین
آلوی دنیا باقی بمانید"

▪ زندگی، عشق و دیگر هیچ
لئو بوسکالیا

نه چشم ها و نه لب ها ، پذیرنده ترین چیز
انسانی، فقط و فقط آغوش است"

▪ گوژپشت نتردام
ویکتور هوگو

مردم در این عصر و زمانه، سراغ دارایی و
ثروت را بیش از علم و معرفت می گیرند و
خری که آراسته به زر و زیور باشد بیش از
اسبی که پالان بر پشتش نهاده باشند جلوه
دارد"

▪ دُن کیشوت
سروانتس

مادرم به پرستارانی که در بیمارستان های مختلف از پدرم مراقبت کرده بودند حسادت می کرد.
دلش می خواست پدرم سلامتی اش را فقط مدیون او بدانند
می خواست پدرم به وفاداری خستگی ناپذیر او اهمیت دهد.
دیکتاتوری روی دیگر فداکاری است"

▪ آدمکش کور
مارگارت اتوود

آدمی که از پرسیدن دست میکشد در واقع از فکر کردن باز می ایستد. چون فکر کردن هرچه باشد، پرسیدن مدامی ست برای رسیدن به پاسخ و آن آدمی که فکر نمیکند سخن هم نمیگویند فقط اصواتی از خود صادر میکنند"

▪ روح پراگ
ایوان کلیما

ما هر کسی را طوری می کشیم؛ بعضی از آنها را با گلوله، بعضی از آنها را با حرف و بعضی ها را با کارهایی که کرده ایم و بعضی ها را با کارهایی که تا به امروز برای آنها نکرده ایم"

▪ جنایت و مکافات
فئودور داستایوفسکی

حفره های زندگی ات همیشگی اند.
تو باید در اطرافش رشد کنی؛ مثل ریشه های درخت که از اطراف بیرون می زنند، باید خودت را از لا به لای شیارها بیرون بکشین"

▪ دختری در قطار
پائولا هاوکینز

شاید، شاید که ما نیز عروسک های کوکی یک تقدیر بوده ایم.

ما هرگز از آن چه نمی دانستیم و از کسانی که نمی شناختیم ترسی نداشتیم. ترس، سوغات آشنایی هاست.

هیچ پایانی به راستی پایان نیست. در هر سرانجام، مفهوم یک آغاز نهفته است. چه کسی می تواند بگوید تمام شد و دروغ نگفته باشد"

▪ بار دیگر شهری که دوست می داشتم
نادر ابراهیمی

و حالا اینجا در کنار دریا به هم رسیده ایم ، در مرز حقیقت و رویا . نمی توانیم پا فراتر گذاریم، از شدت سعادت خواهیم مرد"

▪ راز مرد گوشه گیر
گراتزیا دلدا

از اتفاق روزگار ، طراوت کتابی درباره درخت پول نوشته بود. به جای برگ اسکناس بیست دلاری داشت .گل‌های درخت، سهام دولتی بود. میوه های آن الماس بود . درخت پول، انسانها را به خود جلب می کرد و این انسانها اطراف ریشه های آن. همدیگر را به قتل می رساندند و به کود مناسبی برای درخت تبدیل می شدند
بله، رسم روزگار چنین است"

▪ سلاخ خانه شماره پنج
کورت وانگات جونیور

آیا مردها خنده آور نیستند؟ وقتی می خواهند برای تعریف از تو آخرین زورشان را بزنند با ناشیگری به تو می گویند که یک مغز مردانه داری"

▪ دشمن عزیز
جین ویستر

جوان ۱۶ ساله داند رنج کشیدن یعنی چه زیرا خودش رنج کشیده است. ولی آن طور که باید نمی داند که دیگران هم رنج می کشند، زیرا دیدن رنج دیگران کافی نیست. تا کسی خودش رنج نبیند نمی تواند بفهمد رنج یعنی چه"

▪ امیل

به زودی. به زودی. به زودی. به زودی.
این به زودی کی خواهد بود؟
چه کلمه هراس انگیزی است این به زودی.
به زودی ممکن است یک ثانیه دیگر باشد.
به زودی می تواند یک سال طول بکشد.
به زودی کلمه ای است هراس انگیز.
این به زودی آینده را در هم می فشارد،
آن را کوچک می کند و دیگر هیچ چیز
مطمئنی در کار نخواهد بود.
هر چه هست دودلی و تزلزل مطلق خواهد بود.
به زودی هیچ نیست و به زودی چه بسا
چیزهایی است. به زودی همه چیز است.
به زودی مرگ است"

▪ قطار به موقع رسید
هاینریش بل

اگر نتوانیم تنهاییمان را در آغوش کشیم، از دیگری
به عنوان سپری در برابر انزوا سود خواهیم جست!
بی حساب بچه دار شدن اشتباه است، بچه دار
شدن برای کاستن از تنهایی خویش غلط است،
هدفدار کردن زندگی با تولید چون خودی، اشتباه
است. و اشتباه است اگر با تولید مثل،
درصد رسیدن به جاودانگی باشیم"

▪ وقتی نیچه گریست
اروین یالوم

من دریافته ام که دوست داشته شدن هیچ و اما
دوست داشتن همه چیز است و بیش از آن بر این
باورم که آنچه هستی ما را پر معنی و شادمانه می
سازد، چیزی جز احساسات و عاطفه ما نیست.
پس آنکس نیک بخت است که بتواند عشق بورزد"

▪ شادمانی های کوچک
هرمان هسه

انسان می تواند شهری را تغییر دهد و جای آن را
عوض کند ولی هیچ کس نمی تواند مکان یک چاه
را عوض کند؛ کسانی که یکدیگر را دوست دارند هم
را می یابند، تشنگی شان را برطرف می کنند خانه
شان را می سازند و بچه هایشان را در کنار چاه

بزرگ می کنند. اما اگر يك روز یکی از آنها تصمیم بگیرد که برود چاه به دنبال او نخواهد رفت عشق همانجا می ماند، رها شده اما همواره سرشار از آب پاک و خالص"

▪ کنار رود بیدرا نشستم و گریستم
پائولو کونیلو

از راننده تاکسی می خواهم مرا انتها بلوار پیاده کند. باید کمی راه بروم. به قوطی کنسرو تخیلاتم لگد می زنم. از تلفن های همراه بیزارم، از ساگان بیزارم، از بودلر، از همه این حقه بازی ها بیزارم. از غرور خویش بیزارم"

▪ دوست داشتم کسی جایی منتظرم باشد
آنا گوالدا

اگر آدم بخواهد به تمام خطراتی که متوجه ما هستند فکر کند باید اصلا پای خود را از خانه بیرون گذارد. وقتی هم در خانه ماند باید از جایش تکان نخورد. چون در آنجا هم ممکن است بلایی بر سرش بیاید. چه بسا کسانی که در حمام برق می گیردشان. یا اینکه پایشان روی پله ها لیز می خورد و می شکند یا موقع بریدن کالباس انگشتشان را می برند. اگر بخواهیم به این چیزها فکر کنیم باید از جایمان تکان نخوریم. همان جا روی اولین پله بنشینیم. مثل کرم های حشره ای وحشت زده که فقط به یک چیز فکر می کنند: انواع مرگ"

▪ اگر خورشید بمیرد
اورینا فالاجی

برای مردم غمگین زندگی در شهر آسانتر است. در شهر شخص می تواند صد سال زندگی کند بدون آنکه متوجه شود مرده و خیلی وقت پیش تبدیل به خاک شده است"

▪ موسیقی مرگ
لئو تولستوی

همه ی بادکنک ها روزی می ترکند.
حقایق و رویاهای زندگی چون بادکنکی است که کودکی در دست گرفته و به دنبال خود می کشد.
کودک با شنیدن صدای ترکیدن بادکنکش به گریه می افتد

، اما بعد به دنبال بادکنک تازه ای می گردد. زندگی تسلسل بادکنک هاست"

■ ابر صورتی
علیرضا محمودی ایرانمهر

من پیش از دیدن او تنها بودم.
خجالتی بودم. غمگین بودم.
اما دلم مال خودم بود.
می دانستم چه کنم.
با دردهای خودم می ساختم.
اما حالا عاشق شدم.
عشق مرا گرم کرد.
از تنهایی در آورد
اما غم عشق با همه ی شیرینی،
سخت جانم را آزار می دهد!
تو مرا اسیر کردی.
وقتی به قصه ات گوش می دادم،
وقتی اسیر قصه ات شدم،
برایم زندان ساختی.
حالا این جا زندان است. قفس است"

■ نه تر و نه خشک
هوشنگ مرادی کرمانی

این روز ها همه کارشناس زندگی شده اند
اما هیچ کس کارش زندگی کردن نیست.
همه شاعران شعرهای قشنگ و متفکران
جملات ناب شده اند.
اما هیچ کس قدرت درک
ساده ترین مسائل زندگی را ندارد"

■ قانون های نانوشته
شهرام شریف بیران

همه چیز، خاطره، گفتگوها، بوسه ها،
همه چیز میگذرد؟
ولی تماس ارواحی که که یکدیگر
را لمس کرده و در میان انبوه اشکال زودگذر،
یکدیگر را شناخته اند هرگز زوده نمی شود"

■ ژان کریستف
رومن رولان

کاش من دو نفر بودم!

یکی حرف می زد، یکی دیگر گوش میداد.
یکی زندگی می کرد، آن یکی به تماشای او می نشست. چه خوب!
می توانستم خودم را دوست داشته باشم"

▪ همه می میرند
سیمون دوبوار

بزرگترین بدی این زندگی این است که
هیچ وقت آن چیزی را که میخواهی همان لحظه نداری. به زمانی بهش میرسی
که دیگه برات مهم نیست"

▪ دختری که میشناختم
جی. دی. سلینجر

به دو شیوه می توان دروغ گفت:
می توان حرف هایی را از خود ساخت
و همچنین می توان حقیقت را با صدایی آرام،
با خونسردی، مثل حرفی بین حرف های دیگر،
حرف های کم اهمیت، بیان کرد.

▪ زن آینده
کریستین بوین

عشق هرچه عشق تر باشد،
ممنوع تر می شود و ابتذالش هم بیشتر.
هرچه پُر شورتر، شَرش هم بیشتر"

▪ ولی دیوانه وار
شیوا ارسطویی

وقتی کسی با ترس آشنا نمی شود،
چطور می تواند شهامت را بشناسد؟
اگر بدبختی را احساس نکنیم،
چطور می توانیم به زیبایی خوشبختی پی ببریم؟
از کجا می توانیم نور را بشناسیم،
اگر با تاریکی آشنا نشده باشیم"

▪ راز سایه
دبی فورد

بدترین چیزی که می تواند برای انسان اتفاق بیفتد،
این است که بفهمد خاطراتش دروغ بوده است"

▪ صدای افتادن اشیاء
خوان گابریل واسکز

قلب خانه ای است با دو اتاق خواب.
در یکی، رنج و در دیگری شادی زندگی می کند.
نباید خیلی بلند خندید، وگرنه رنج در اتاق دیگری بیدار می شود"

▪ گفتگو با کافکا
گوستاو یانوش

ببرهیزیم از اینکه درباره ی مردم
تنها بر مبنای لحظه ای از زندگی شان داوری کنیم"

▪ در تنگ
آندره ژید

مهم ترین درسی که از مادر بزرگم آموختم این بود
اگر می خواهی چیزی را نابود کنی،
اگر می خواهی صدمه و آسیبی به چیزی برسانی،
کافی است آن را محدود کنی،
کافی است آن را محصور کنی.
آن وقت می بینی که خود به خود خشک می شود،
پژمرده می شود و می میرد"

▪ بعد از عشق
الیف شافاک

من مثل تو نیستم. اصلا اراده ندارم.
می خوام اونو فراموش کنم،
اما تنها کاری که میتونم بکنم
اینه که درباره اش فکر کنم"

▪ قهرمان عصر ما
ماریو بارگاس یوسا

ما اغلب برای از یاد بردن درد و رنج خویش
به آینده پناه می بریم!
در پهنهی زمان، خطی تصور می کنیم
که فراسوی آن خط درد و رنج ما پایان خواهد یافت"

▪ بار هستی
میلان کوندر

من منم و نمی خواهم سلیقه ام را
تابع قضاوت تمامی بشریت کنم"

▪ مارتین ایدین
جک لندن

کسی را ندارد.
نه اینکه بی کس و کار باشد،
بلکه کسی را ندارد"

▪ نخل های وحشی
ویلیام فاکنر

نیازی نیست برای یافتن ریشه های شر، به دنبال
امور فراطبیعی باشیم. انسان خود به تنهایی
قادر به هرگونه شرارتی است"

▪ جزیره شاتر
دنیس لهین

حس میکنم تو خالی ام.
مدام به این مسئله فکر می کنم؛ به خلاء درونم
به خودم میگویم اگر می توانستم
به اعماق بدنم نفوذ کنم قلب و
سرم را بشکافم و داخلش را ببینم،
احتمالا چیزی نمی دیدم، هیچ چیز جز باد،
بیابان و زمین یخ زده ای که در آن
هیچ جنب و جوشی نیست"

▪ گذر از زمستان
اولیویه آدام

مادر از همه ما ضعیف تر بود؛
نه به خاطر غصه های مشترکمان، بلکه بخاطر
غصه های خصوصی هر کدام از ما که خورده بود"

▪ قصر
فرانتس کافکا

دوست داشته شدن خیلی خوب است،
حتی اگر دیر شده باشد"

▪ شرق بهشت
جان استاین بک

آدم همیشه ناچار است از چیزی دست بکشد
تا دیگران بتوانند زندگیشان را بکنند"

▪ پوست انداختن
کارلوس فوننتس

فکرش را بکنید که کسی خودش را در آب بیندازد.
و آن وقت از دو حال خارج نیست: یا شما برای نجاتش خود را به آب می افکنید و در فصل سرما به عواقب بسیار سخت دچار
می شوید یا او را به حال خود وا می گذارید.
شیرجه های نرفته گاهی کوفتگی های عجیبی
به جا می گذارد"

سقوط
آلبر کامو

کاش میشد با هر حمام آدم از داخل هم پاک شود.
پیش از هر دوش گرفتن این حال را داشت که می رود
تا تازه شود. آدم تازه ای بشود برای بعد.
ولی بیرون که می آمد دو دقیقه بعد می دید همان بوده
که بوده با همان فکرها و همان خیالها"

▪ کوچه ابرهای گمشده
کوروش اسدی

زندگی همین، نیست؟
همه ی چیزی ای احمقانه ای که
ما نمیتونیم توضیحش بدیم.

▪ نامه ی گمشده
جیلین کانتور

تا حالا ترکت کردم؟
نه، ولی تو بدترش رو انجام دادی،
گذاشتی که من برم"

▪ در انتظار گودو
ساموئل بکت

روشنی زیاد هم جالب نیست

آدم همه چیزو میبینه و همه اونو میبینن.
توی تاریکی آدم میتونه خیال کنه،
چیزی، جایی، کسی منتظرشه"

▪ شبهای روشن
اثر فیودور داستایوفسکی

می گوید: نگران نباش زودتر از چیزی که فکر کنی
همه چیز درست می شود.
نا امید ترین لیخند دنیا را میزند.
او هم مثل من می داند هیچ چیز هیچوقت
قرار نیست درست شود"

▪ پاییز فصل آخر سال است
نسیم مرعشی

پدر من همیشه می گفت:
یادت باشه، این مملکت رو قانون اداره نمی کنه؛
لذا نباید بذاری کار به جایی بکشه که
بخوای از قانون کمک بخوای"

▪ بافته های رنج
محمد الفانی

گاهی با وجود تمام بدی ها و خیانت ها،
بعضی از آدم ها را به راحتی می بخشی
تنها به این دلیل که: دوست داری
همچنان در زندگی حضور داشته باشن"

▪ خنده و فراموشی
میلان کوندرا

چه خوب بود اگر می توانستیم
مشکلات بزرگمان را با یک قرص بعد از غذا
یا یک قاشق شربت قبل از خواب حل کنیم"

▪ گدا
نجیب محفوظ

فقط دشمن ها هستند که همیشه حرف هم را
بی هیچ کم و کاستی می فهمند.
اغلب هم لیخندی، چاشنی گفت و گویشان است.
دوستی، همیشه با سوء تفاهم همراه است!

عشق: خیلی بیشتر"

▪ نیمه غایب
حسین سنپور

میدانم اگر قضاوت نادرستی در مورد کسی بکنم،
دنیا تمام تلاشش را می کند تا مرا
در شرایط او قرار دهد تا به من ثابت کند
در تاریکی، همه ی ما شبیه یکدیگریم"

▪ تسخیرشدگان
فیودور داستایفسکی

قبول نداری خیلی معرکه است که
از شر همه چی و همه کس خلاص شوی
و بروی جایی که هیچکس تو را نشناسد؟
گاهی دلم می خواهد همین کار را بکنم"

▪ چوب نروژی
هاروکی موراکامی

در نیمه ی دوم زندگی کم و بیش به این واقعیت می رسیم که سعادت تقریباً افسانه، ولی رنج واقعی است؟
لذا انسان های عاقل تنها به دنبال دوری از رنج
و دستیابی به وضعیتی امن اند تا به دنبال لذت"

▪ در باب حکمت زندگی
آرتور شوپنهاور

مارکوس میدونی تنها راهی که میشه فهمید
یک نفر رو چقدر دوست داری چیه؟
نه!
اینه که از دستش بدی"

▪ پرونده هری کبر
ژوئل دیکر

هرگز به کسی اعتماد نکن
به خصوص به آدمایی که ستایش شون میکنی.
اونا همون آدمایی هستن که
دردناک ترین ضربات رو بهت وارد می کنن.

▪ سایه باد
کارلوس روئیس سافون

بعضی ها آنقدر به دیگران وفادارند
که به خودشان خیانت میکنند"

▪ زائران غریب
گارسیا مارکز

اگر روزی فرا برسد که زن، نه از سر ضعف،
که با قدرت عشق بورزد!
دوست داشتن برای او نیز، همچون مرد،
سرچشمه ی زندگی خواهد بود و نه
خطری مرگ بار.

▪ جنس دوم
سیمون دوبووار

اگه آدم بخواد کاری رو تموم کنه نباید حرف بزنه .
اما اگه خیال نداشته باشه تموم بشه اون وخت می
تونه دهنشو وا کنه و هر چی دلش می خواد
بگه"

▪ شکار انسان
خویا او اوبالدو ریبریو

با شناختن مردم همیشه یک کمی دلمان برایشان
می سوزد. برای همین است که با بیگانگان راحت
تر هستیم . چون هنوز آن لحظه دلسوزی و تنفر
شروع نشده است"

▪ میلکه عزیز
ناتالیا گینزبورگ

آن یکی را نمی خواهم اسمش را بیاورم همه شما
می شناسیدش. آن که هر روز در می آید و الان
هم آن گوشه سمت راست و ایستاده و پیراهن
چهارخانه و کت قهوه ای پوشیده. سبیل های
پریشتی دارد. مرتب دارد با بغل دستی اش حرف
می زند. اسمش را نمی آورم و هرگز حاضر نیستم
آبرویش را ببرم"

▪ مربای شیرین
هوشنگ مرادی کرمانی

بیشتر تماس‌ها در حالتی برقرار می‌شوند که مردم حرفی برای گفتن ندارند و بدین ترتیب برایشان چندان اهمیتی هم ندارد که آیا موفق به برقراری تماس می‌شوند یا نه و تنها کاری که می‌کنند لطمه زدن به آن چند نفری است که واقعا حرفی برای گفتن دارند"

▪ شاه‌گوش می‌کند"
ایتالو کالوینو

برای اینکه خودتان را از بین ببرید ، باید یک روح پیچیده و اسرارآمیز داشته باشید . هرچه سطحی‌تر باشید بیشتر در امان هستید"

▪ عروس بیوه
جویس کرول اتس

همه روشنفکرها خطرناکند، ضعیف، احساساتی و قادر به اینکه بدترین کارهایشان را با بهترین فکرها توجیه کنند"

▪ جنگ آخر زمان
ماريو بارگاس یوسا

بهم بگو باهوشم.
مهربونم
با استعدادم...
بهم بگو بانمکم
با احساسم
عاقل خوش تیپم.
بهم بگو به آدم کامل ام
اما راستش ام بهم بگو"

▪ زنده باد زن کچل
شل سیلور استاین

بعضی‌ها اینجورین، وقتی به نیش میخورن، فکر میکنند آگه دیگرونم نیش بخورن، درد اونا کمتر میشه"

▪ چوب به دستهای ورزیدل
غلامحسین ساعدی

هیچ کس هرگز کاملاً آزاد نیست. آزادی بشر درست چند ساعت بعد از تولد از او سلب می شود. از همان لحظه ای که برای ما اسمی می گذارند و ما را به خانواده ای نسبت می دهند، دیگر فرار غیر ممکن میشود. قادر نیستیم زنجیر را پاره کنیم و آزاد باشیم. ساختمان بزرگ اداره ثبت اسناد زندان ماست. همه ما لابه لای اوراق آن کتابها له شده ایم"

▪ از طرف او
آلبا دسس پدس

قبلاً فکر میکردم آگه دو نفر همیشه به هم راست بگن، یعنی عین حقیقت رو بگن، باید خیلی صمیمی باشن، ولی الان دیدم که برای حفظ صمیمیت انگار مجبوری بعضی جاها دروغ هم بگی"

▪ نام من سرخ
اورهان پاموک

گرگ، شنگول را خورده است
گرگ، منگول را تکه تکه کند
بلند شو پسر!
این قصه برای خوابیدن است"

▪ پرنده پنهان
گروس عبدالملکیان

راستش اینه که آدم هیچ وقت نمیدونه چی می خواد. آدم فکر میکنه یه جور آدم مشخصی می خواد و بعد یکیو میبینه که هیچی از چیزهایی که می خواسته رو نداره و بدون هیچ دلیلی عاشقش می شه"

▪ دوباره اون آهنگو بزنی سم از این آب ننوشید
وودی آلن

جوان که بودم از مردم چیزی میخواستم که نمی توانستند بدهند: دوستی پیوسته، عاطفه مدام حال یاد گرفته ام از آنان چیزی بخواهم کمتر از آنچه می توانند بدهند: همنشینی بی کلام"

▪ آدم اول
آلبر کامو

مسعود وقت خواب متکای اضافی بغل می کرد.
عزیز همیشه پایش را بغل می کرد. بغل ها توی
خانه ما تنگ بود و به آغوش تبدیل نمی شد"

▪ رازی در کوچه ها
فریبا وفی

آدم همیشه به خاطر نقطه ضعف هایش تو در دسر
می افتد. مگس ها باید چیزهای چسبناک را خیلی
دوست داشته باشند. شب پره ها شعله را، و آدم ها عشق را"

▪ خزه
هریر لوپوریه

یک زندگی را چطور می شود اندازه گرفت؟ به طول
سال ها؟ به مقدار پول یا به ساعت های لذت عشق"

▪ عقد و داستان های دیگر
اسماعیل فصیح

هیچ پرنده ای نیازمند افتادن عکسش در آب
نیست. آب، عکس آسمان و پرنده را برای دلالتگی
خودش میگیرد"

▪ من از دنیای بی کودک میترسم
هیوا مسیح

هدف نداشتن یعنی امید و آرزو نداشتن، این که
به هر چه داری راضی باشی، چیزی را که دنیا از این طلوع تا طلوع بعدی به تو ارزانی می دارد بپذیری، برای این گونه
زیستن باید زیاده نخواهی، همان بس که زنده بمانی"

▪ سانسست پارک
پل استر

چیزی که تمام وجود مرا مجذوب می کند دلیلی
ندارد که حتی ذره ای هم در تو اثر کند و برعکس،
چیزی که در نظر تو معصیت است ممکن است در
نظر من معصومیت باشد ... چیزی که برای تو
وخامت به دنبال ندارد، ممکن است برای من حکم

سنگ قبر را داشته باشد"

▪ نامه به پدر
فرانتس کافکا

دریافتن خوبی هایی که ممکن است داشته باشیم همیشه به کارمان نمی آید، چون کافی نیست که یک آدم، آدم خوبی باشد، باید دیگران هم خوب باشند تا این خوبی دردی دوا کند"

▪ داستان زندگی من
لائو شه

اگر می شد توان فراموش کردن را از انسان گرفت، او دیگر هیچ ستمی را تحمل نمی کرد. هیچ کس به اندازه کسی که فراموشی را نپذیرد، تنها نیست. آنکه به زمانهای متفاوتی تعلق دارد، معاصر هیچ کس نیست"

▪ قطره اشکی در اقیانوس
مانس اشپربر

وقتی مصیبتی برای دیگران پیش می آید، به نظر حادثه ی کوچکی می رسد که به آسانی می توان دفعش کرد و بر آن چیره شد. اما وقتی برای خودمان پیش می آید، خود را به تمامی تنها احساس می کنیم، تجربه ای سرگیجه آور است که از عهده هیچ تخیلی بر نمی آید"

▪ بانوی شکسته
سیمون دوبووار

نذار ابهت هیچ آدم خبره ای تو رو بگیره.
اون بهت میگه که: دوست عزیز،
من بیست ساله که این کارمه!
آدم ممکنه کاری رو بیست سال
تموم هم غلط انجام بده"

▪ بعضی ها هیچ وقت نمی فهمن
کورت توخولسکی

پرسش آغاز آگاهی است و آگاهی آغاز آزادی"

▪ ذهن زمستانی

رامین جهانگل

دیشب به خودم گفتم: شعور یک گیاه در وسط زمستان، از تابستان گذشته نمی آید، از بهاری می آید که فرا می رسد. گیاه به روزهای که رفته، نمی آندیشه، به روزایی می اندیشد که می آید، اگر گیاهان یقین دارند که بهار خواهد آمد، چرا ما انسان ها باور نداریم که روزی خواهیم توانست به هر آن چه می خواهیم، دست یابیم"

■ نامه های عاشقانه ی یک پیامبر
جبران خلیل جبران

جودی: دلنتگی برای خانه از آن بیماری هایی است که حداقل من در برابر آن مصونیت دارم! چون تا حالا نشنیده ام کسی دلش برای پرورشگاه تنگ شود، شما چطور، شنیده اید"

■ بابا لنگ دراز
جین وبستر

در یک رابطه دو نفره وقتی دو نفر هیچ مشکلی با هم ندارند، حتما یکی از آنها تمام حرف دلش را نمی گوید"

■ جای خالی سلوچ
محمود دولت آبادی

زیرکانه ترین راه برای تسلط بر هر جامعه ای تحقیر و محدود کردن زنان آن جامعه است"
زیرا زنان اسیر هرگز قادر نخواهند بود انسانهایی آگاه و آزادی خواه پرورش دهند و قادر نخواهند بود با عشق و آرامش مردان شان را در جدال با زندگی همراهی کنند"

■ خاطرات سیمون دوبوار
سیمون دوبوار

بعضی وقتها احساس میکنم که هیچ چیز معنی ندارد. در سیاره ای که میلیون ها سال است با شتاب به سوی فراموشی می رود. ما در میان غم زاده شده ایم. بزرگ می شویم. تلاش و تقلا میکنیم. بیمار میشویم. رنج می بریم. سبب رنج

دیگران می شویم.. گریه و مویه می کنیم. میمیریم. دیگران هم میمیرند. و موجودات دیگری به دنیا می آیند. تا این کمدی بی معنی را از سر گیرند.

▪ تونل
ارنستو ساباتو

اولش رنج میکشی به خورده بیشتر یا به خورده کمتر. بعد جداییها برات عادی میشن. زندگی همینه دیگه جدایی پشت جدایی! زندگی جمع شدن نیست جدا شدن!

▪ آب سوخته
کارلوس فونتنس

همیشه درباره آدمهایی که عاشقشان هستیم دو بار خودمان را فریب میدهیم.
ابتدا برای مزیت هایشان سپس برای نقص هایشان"

▪ سوءتفاهم
آلبر کامو

وقتی مردم از تمرکز کردن روی رویاهایشان دست می کشند، آنان در راه پرپیچ و خم ذهن هایشان گم می شوند، با کمال تعجب در یک چرخه تکراری سرگردان می شوند"

▪ مرد، پول و شکلات
منا ون پراگ

یک انسان را اگر گرفتار اندوه نمایی از کرده های گذشته پشیمان میشود، ولی همین که اندوه از بین رفت، به وضع اول برمی گردد و همانطور خودخواه و بی رحم میشود"

▪ سینه هه
میکا والتاری

جهان از موجودات مرموز و خوب و بد و دیدنی و نادیدنی پر است، و در چنین جهانی هرکس ناگزیر از آن است که همیشه مراقب باشد تا به نفرین جادوگر شریر یا ساحر خبیث گرفتار نیاید. در چنین

جهانی انسان نمی تواند حتی به دیدگان خود
اعتماد کند. ممکن است قورباغه زشت به شاهدخت
زیبایی مبدل گردد و جوانی خوش سیما به صورت
ماری وحشتناک درآید. هیچ چیز تابع قوانین استوار
و قابل شناخت و پیش بینی نیست"

▪ چگونه انسان غول شد
ایلین سگال

گاهی کلید زندگی بهتر را داریم، اما
نیاز داریم یک نفر نشانمان دهد کلید
کوفتی را کجا گذاشته ایم"

▪ شاید وقتشه با یکی حرف بزنی
الاری گوتلیب

او فقط به بدنم تعرض نکرد، بلکه روحم
را نیز با دشنه ای سوراخ کرد. آن دشنه
هرگز بیرون نیامد"

▪ حرمسرای قذافی
آنیک کوژان

ما در منطقه های مختلف زندگی نمیکنیم،
حتی روی کره ی خاکی هم زندگی
نمیکنیم. مکان حقیقی زندگی ما قلب
کسانی ست که دوستشان می داریم.

▪ فراتر از بودن
کریستین بوین

بباید یاد بگیریم نگذاریم بی
اراده بودن ما را در چرخشی بی
انتها در يك حلقه گرفتار کند"

▪ ایکیگای
هکتور گارسیا

با افرادی معاشرت کنید که عادت هایی دارند
که دوست دارید خودتان داشته باشید!
انسان ها با هم رشد می کنند"

▪ خرده عادت ها

جیمز کلیر

هیچ چیز لذت بخش تر از این نیست
که یک نفر احساسات را بفهمد
بدون اینکه مجبورش کنی"

▪ مثل همه عصرها
زویا پیرزاد

همیشه افراد ساکت را دوست داشته ام
هیچ وقت نمی فهمی در حال رقصیدن
در رویای خویشند یا سنگینی بار
هستی را به دوش می کشند"

▪ در جستجوی آلاسکا
جان گرین

هیچ وقت بابت عشق هایی که نثار دیگران کرده اید
و بعدها به این نتیجه رسیده اید
ذره ای برای عشق شما ارزش قائل نبوده اند
افسوس نخورید
شما آن چیزی را که باید به زندگی ببخشید،
بخشیدید و چه چیزی زیباتر از عشق"

▪ قطعه گم شده
شل سیلور استاین

بزرگترین لذت در زندگی
انجام کاریست که دیگران می گویند:
تو نمی توانی"

▪ رومن به روایت پولانسکی
رومن پولانسکی

تنها گناه واقعی این است آدم تلاش کند
خودش را چیزی نشان بدهد
که در اصل نیست"

▪ میوه خارجی
جوجو مویز

هرگز هیچ دو انسانی با روحیات

و علاقه مندی های مطلقا مشترک یافت نشده است
پس اگر در یک رابطه ی دو نفره
هیچ مشکل و برخوردی به وجود نیاید
به این معنی است که یکی از این دو نفر
تمام حرف های دلش را نمی زند"

▪ دیر یا زود
آلبا دسس پدس

همین که عاشق چیزی یا کسی شدی،
قلبت را باید برای شکستن آماده کنی.
اگر می خواهی مراقب قلبت باشی،
آن را به هیچکس نبخش، حتی یک حیوان.
آن را در بسته ی زیبایی از شادی های کوچک و شیک، بسته بندی کن و به کناری بگذار.
آن را در گاوصندوق خودخواهی حفظ کن. جایی که
مطمئنا هرگز نخواهد شکست.
اما به خاطر داشته باش که آنجا در تاریکی امنیت، بدون حرکت و بدون هوا، تغییر جنس خواهد داد.
قلبت همزمان شکست ناپذیر و نفوذ ناپذیر خواهد شد.
چون از جنس سنگ شده است.
عشق، یعنی آسیب پذیر بودن.
و انتخاب با توست"

▪ چهار نوع عشق
کلیو لوییس

زمانی که وارد جمعی می شوی
لباسهایت معرف تو هستند
و زمانی که خارج می شوی، افکار و سخنانت"

▪ آنا کارنینا
لئو تولستوی

آدم ها همیشه نمی مانند
یک جا در را باز می کنند
و برای همیشه می روند"

▪ گریز دلپذیر
آنا گاولدا

من فکر می کنم همه چیز را باید به اندازه خورد!
حتی غصه را"

▪ دفترچه ممنوع
آلبا دسس پدس

آن چه سخت است در این وسط ،
دل کندن از آدم هاست
دل بستن آسان است و همگی نیاموخته ،
بلدیم دل بستن را ولی کسی دل کندن
را به ما یاد نداده است"

▪ نامه هایی از پراگ
پرویز دوايي

نمی توانید ارزش چیزی را بفهمید
مگر این که احتمال از دست دادن آن را تجربه کنید"

▪ اوضاع خیلی خراب است
مارک منسن

زندگی مثل یک استکان چایی است.
به ندرت پیش می آید که هم رنگش درست باشد،
هم طعمش و هم داغیش"

▪ کارت پستال
روح انگیز شریفیان

من همیشه می کوشم مجلس تاریک دیگران را
روشن کنم، جنگل را روشن کنم، اگرچه بعضی از
جانوران مسخره ام میکنند و میگویند با یک گل
بهار نمی شود، تو بیهوده می کوشی با نور ناچیزت
جنگل تاریک را روشن کنی. خرگوش گفت: این
حرف مال قدیمی هاست. ما هم می گوئیم هر نوری
هر چقدر هم ناچیز باشد، بالاخره روشنایی است!

▪ اولدوز و عروسک سخنگو
صمد بهرنگی

اغلب مردم تعریف و تمجیدها را ظرف چند دقیقه فراموش میکنند، اما یک اهانت را سال ها به خاطر می سپارند. آنها مانند
آشغال جمع کن هایی هستند که هنوز توهینی را که مثلا بیست سال پیش به آنها شده با خود حمل می کنند و بوی ناخوشایند این
زباله ها همواره آنان را می آزارد.
برای شاد بودن باید بر افکار شاد تمرکز کنید.
و باید ذهن خود را از زباله های تنفر، خشم، نگرانی و ترس رها کنید"

▪ راز شاد زیستن
اندرو متیوس

هیچ وسیله ای نیست که ارزشمند باشد. اشیاء فقط قیمت دارند و قیمت شان بر اساس توقعات است. وقت، تنها چیز روی کره زمین است که ارزش دارد. یک ثانیه همیشه یک ثانیه است، بی هیچ چک و چانه ای. آدم در حال معامله زندگی است، هر روز"

▪ و من دوستت داشتم
فردریک بکمن

ما به قدری خود را درگیر زندگی های پر استرس و پر مشغله کرده ایم که مشاهدی بیشتر شگفتی ها را از دست می دهیم. به اندازه ی لحظاتی که درد و رنج در زندگی وجود دارد، لحظات شادی و لذت نیز وجود دارد"

▪ سیلی واقعیت
راس هریس

یک بار از توماس ادیسون سؤال شد پس از بیست و پنج هزار بار کوشش بی نتیجه برای ساختن باطری، نسبت به شکست چه احساسی دارد.

پاسخ او برای همه ما دارای اهمیت است؛
شکست؟ ابدأ شکست نخورده ام،
حالا بیست و پنج هزار طریقه را
میشناسم که نمی توان باتری ساخت"

▪ زنده باد خودم
وین دایر

هرکسی با میل شدید به یادگیری متولد میشود. نوزادان روزانه مهارتهای خود را گسترش میدهند. نه تنها مهارتهای عادی، بلکه سخت ترین کارهای طول عمرشان را، مانند راه رفتن و صحبت کردن را یاد میگیرند، آنها هرگز تصور نمیکند، که این کارها بیش از حد سخت است یا ارزش تلاش کردن ندارد، نوزادان نگران اشتباه کردن یا تحقیر شدن نیستند، آنها راه می روند، می افتند و بلند می شوند، آنها فقط به سوی پیشرفت تقلا میکنند. چه چیزی میتواند به این یادگیری پرشور و هیجان پایان دهد؟ طرز فکر ثابت"

▪ طرز فکر
دکتر کارول دوک

من نمیدانم قانون را چه کسی نوشته،
اما می دانم هیچ قانونی نیست
که آدم را گرسنه بخواند.
با این زندگی داشتن و نداشتن فرقی نمی کند"

▪ داشتن و نداشتن
ارنست همینگوی

بعضی وقت ها حتی آگه

همه ی کارها رو هم درست انجام
بدی باز هم ممکنه اوضاع درست نشه.
مسئله اینه که هیچ وقت نباید دست
از انجام کار درست برداری"

▪ نفرتی که تو میکاری
انجی توماس

می خواهید بدانید چرا واکسی شده ام ! خیلی ساده
است، خواستم کاری بکنم تا به مردم بفهمانم ؛ بیش از
آنکه صاحب افکار زیبا باشند، صاحب پا هستند. بسیاری از آدمها که در این آسمانخراش ها زندگی می کنند این را از یاد برده
اند.

اگر مثل من روزی صد تا کفش واگس بزنند، شاید به یاد بیاورند که پای آدمی روی زمین است و نه در ابرها "

▪ مردی با کیوتر
رومن گاری

وجود خویش را آنطور که هست بپذیر و بدان
که تو تنها در قبال خودت و خدای خودت
مسئول هستی، نه در مقابل افکار و احساسات کسانی که فکر کنند از تو بهتر می دانند"

▪ عشق رقص زندگی
اشو

درست همان طور که طلوع به غروب و خاک به خاک می انجامد.
همان طور که هر رودخانه ای به دریا می ریزد، انسان هم به آغوش فراموشی می رود"

▪ نجیب زاده ای در مسکو
امور تولز

فلیسه، چرا می کوشیم آدمها را تغییر دهیم؟
این درست نیست.
آدم باید دیگران را همانطور که هستند بپذیرد یا
همانطور که هستند به حال خودشان بگذارد.
آدم نمی تواند آنها را عوض کند،
فقط توازن شان را برهم می زند.
چون یک انسان از قطعه های واحدی
درست نشده است که بتوان تکه ای را برداشت و به جایش چیز دیگری گذاشت. او یک کل است، و اگر آدم یک سوییچ را بکشد،
سوی دیگرش چه بخوای چه نخوای کشیده می شود"

▪ نامه به فلیسه
فرانتس کافکا

این نوع زندگی که ما امروزه داریم
زندگی نیست، رکود است.
مرگ در حال زندگی است.
به تمام این خانه های لعنتی نگاه کن
و همین طور به افراد بی هدف داخل خانه ها!
گاهی اوقات فکر می کنم
ما همه جسد هستیم، فقط فرقدمان
با جسد این است که در حالی که ایستاده ایم
در حال پوسیدنیم"

▪ همه جا پای پول در میان است
جورج اورول

هنری: اگه گفتی آن چیست که
برای هر کسی واجب است
حتی واجبتر از نان شب!
الین: ایمان به خدا؟ امنیت نیست؟
سلامتی چی عزیزم؟
هنری: یکی که آدم باهاش درد دل کند!
کسی که آدم را درک کند! همین"

▪ نگاهی به مرگ
کورت ونه گات

همیشه راهی قطعی برای پایان
دادن به بدبختی وجود دارد؛ مرگ"

▪ برنده تنهاست
"پائولو کونیلو"

خیلی دلم میخواست بدونم اولین باری که
آدم سیب میخورد مزه اش چجوری بود"

▪ سلام، کسی اینجا نیست؟
پاستین گدر

زن که باشی، احساساتت که فوران کند
می روی سراغ ظرف ها، قابلمه ها را می سابی
موهایت را سشوار می کنی
ماتیک پر رنگی به لبهایت می مالی
و در نهایت ناخن هایت را مانیکور می کنی
و می روی دو خط شعر از کتابی می خوانی.
و نمی دانی احساسات که فوران کند،
باید از یک جایی هم سر ریز شود دیگر"

▪ من از چهل سالگی می ترسم
شیما سبحانی

تو زندگی خوب بودن به هیچ دردی نمیخوره!
با همین سن کم فهمیدم که مردم وقتی میخوان بگن
یه نفر خر و بی عرضه ست میگن فلانی چه آدم خوبیه"

▪ عروسک فرنگی
آلبا دسس پدس

دولت یک دست دراز دارد
و یک دست کوتاه، دست دراز به همه جا میرسد
و برای گرفتن است.
و دست کوتاه برای دادن است
و فقط به کسانی میرسد که خیلی نزدیکند"

▪ نان و شراب
اینیاتیسیو سیلونه

در حافظه هرچه بخواهی هست،
حافظه نوعی داروخانه با آزمایشگاه شیمی است،
که در آن اتفاقی دستت گاه به دارویی آرام بخش
و گاه به زهری خطرناک می رسد"

▪ جستجوی زمان از دست رفته
مارسل پروست

از دواج نکرده ایم که یکدیگر را تغییر دهیم
بلکه با تغییر نکرده ی یکدیگر از دواج کرده ایم"

▪ کوچک زندگی
شاهرخ شاه پرویزی

از دور ترین فاصله ی فضا
زمین به شکل ذره ی غباری دیده می شود.
این را بار دیگر که واژه بشریت را
مینویسی به پا داشته باش"

▪ سفر در اتاق تحریر
پل استر

میتوانیم گرایشی را که در برابر گذشته داریم عوض کنیم. گذشته تمام شده و پی کار خود رفته است. اکنون دیگر نمی توانیم گذشته را عوض کنیم اما میتوانیم اندیشه هایی را که درباره ی گذشته داریم عوض کنیم"

▪ شفای زندگی

لوئیز هی

زمانی فرا می رسد که هرچه کرده ای، هر چه نوشته ای، همه ی کارها و اعمالت کمی به نظرت تکراری می رسد. انگار محکوم به آن هستی که تا ابد آنها را تکرار کنی. بعد ناگهان جلو چشمت آینده ای که برایت باقیمانده آشکار میشود، زمانی که برای نوشتن و کار کردن فرصت داری، چیزهایی که به نظرت تازه می رسد. کسی که آینده را فاقد هر چیز تازه ببیند کاملاً خود را در زندان احساس می کند. تعریف زندان همین است. مگر نیست؟ وقتی چیز تازه ممکن نباشد.

▪ پروست و من

رولان بارت

دنیای امروز، ذهن ما را به بازی گرفته است. پریشان حالی و اضطراب پیوسته رو به فزونی دارد. این سیاره ی عصبی و پرشتاب، زندگی انسانها را عصبی کرده و به آن ضرباهنگی پرشتاب داده است. ارتباط میان ما بیشتر شده است و در عین حال بیشتر احساس تنهایی می کنیم. پیوسته تشویق می شویم به اینکه برای همه چیز از سیاست جهانی گرفته تا اضافه وزن خود، نگران باشیم"

▪ آرام باش بی اعصاب

مت هیگ

در واقع، چیزی که برای شخصی معنادار است ممکن است برای فرد دیگری کاملاً بی معنی باشد"

▪ دهکده جهانی خوشبختی

لنو بورمنز

آدم ها، در اصل، توان تحمل خوشبختی را ندارند، طالبش هستند، بی تردید، ولی همین که بهش برسند، حرص و جوش می زنند و خواب چیزهای دیگری را می بینند"

▪ باغ گذر

مارگریت دوراس

چایت را بنوش.

نگران فردا نباش!

از گندمزار من و تو

مشتی گاه میماند برای بادها"

▪ مشتکی سنگ میان سطرها

هاجر فرهادی

انسان همواره به خاطر رعایت ادب
بیش از حد به دیگران میدان می دهد
و آن ها هم از این موضوع
برای آزار دادن انسان استفاده می کنند"

▪ حیوان اندیشمند
روبر مرل

عشق چیز خطرناک و پیچیده ای است
می تواند آدم عوضی را به یک انسان خوب تبدیل کند
و می تواند آدمی شریف و صادق را
تا پایین ترین درجات انسانی نزول دهد"

▪ سرو غمگین
آگاتا کریستی

دنیای درون یک زن می تواند
به همان سرعتی تغییر کند
که دنیا در جنگ تغییر می کند"

▪ بلبل
کریستین هانا

منظره ی ویرانی آدمها غم انگیزترین منظره ی دنیاست ببینی که کسی مثل طاووس میرفته
حالا مرغ نحیفی است که پرش ریخته"

▪ همنوایی شبانه ارکستر چوبها
رضا قاسمی

وقتی در مورد دیگران قضاوت می کنید
عمدا دارید به آنها صدمه می رسانید
احترام به تفاوت ها، فراتر از کنار آمدن با دیگران است"

▪ همسر خاموش
ای هریسون

آدم ها خیلی کم بلدند خودشان باشند
کاش آن دسته هم که نقش بازی می کنند
توانایی داشتند دست کم
همان نقش را به خوبی در آورند"

▪ فرانی و زویی
جی. دی. سلینجر

رفتن به جایی را که
با رفتن به آن نمی رسیم باید ترک کنیم
و بحث درباره ی موضوع هایی که
با بحث کردن فیصله نمی یابند را باید کنار بگذاریم
و اندیشیدن درباره ی مسائلی که
با اندیشیدن حل نمی شوند را باید از سر دور کنیم"

▪ اندیشه های متی
برتولت برشت

در قلبم همچنان به معجزه عقیده دارم
خدا بزرگترین معجزه گر است
او که یک کرم زشت و بدترکیب را
به پروانه ای زیبا تبدیل می کند
حتما قادر است که از نفرت و ترس هم عشق بیافریند"

▪ شبخ ابرای پاریس
سوزان کی

تنها بودن خیلی بهتر است از
بودن با کسی که با او
احساسات و علایق مشترکی نداری"

▪ زندگی داستانی ای.جی. فیکری
گابریل زون

بخشیده ام ، شما هم اگر بخواهید، می توانید ببخشید
آدم زمین نیست که بتواند
بار همه این تلخی ها را به دوش بکشد"

▪ نیمه ی تاریک ماه
هوشنگ گلشیری

دل من، دل من آرام گیر
چه کسی قدر تو را می داند؟
به همین شاخه ی خشکیده ی بید هیچ کسی.
دل من آرام باش، به هر اندازه شکستی کافی است
دمی آرام باش"

▪ قرص های کاغذی شهر سنگی
سیده مریم خامسی

بهترین چیز برای آدم همین است
اعتقاد داشتن به حرفی که می زند
و دوست داشتن کاری که می کند"

▪ گفتگو در کاتدرال
ماریو بارگاس یوسا

تنها بودن افتضاح است
ولی تنهایی را به بودن با کسی که باعث می شود
احساس وحشتناکی داشته باشم، ترجیح می دهم"

▪ گرسنگی
رکسان گی

هیچ کس لیاقت اشک های تو را ندارد
و کسی هم که چنین ارزشی دارد
باعث اشک ریختن تو نمی شود"

▪ ساعت شوم
گابریل گارسیا مارکز

به آنچه که ما را
به برخی از انسان ها وابسته می کند
نام عشق ندهیم

▪ افسانه سیزیف
آلبر کامو

گاهی کسانی که هزاران فرسنگ از شما فاصله دارند
می توانند احساس بهتری
نسبت به کسانی که دقیقا در کنارتان هستند
در شما ایجاد کنند"

▪ مدار صفر درجه
احمد محمود

گاهی اوقات بهتر است
همه چیز را آن طور که هست رها کرد
اندوه را آزاد گذاشت تا دوره اش را بگذراند"

▪ شکلات
ژوان هریس

همیشه چیزهایی که نداشته ام را
بیشتر دوست داشته ام
همچون تو که بسیار دوری، که بسیار ندارمت"

▪ از خودت برایم بگو
پابلو نرودا

به راستی ما تنها هنگامی که دیوانه وار عاشق کسی هستیم
می توانیم با گذشت و بخشنده باشیم
به محض آنکه تنها کمی از علاقه مان کاسته می شود
بدجنسی ذاتی مان به ما باز می گردد"

▪ سفر زمستانی
آملی نوتومب

هیچ چیز بدتر از این نیست
که با دل تنگ سفر کرد"

▪ طبل حلبی
گونتر گراس

یادت باشه آدم ها
به آن اندازه ای که مهربان هستند
احمق نیستند"

▪ مادر بزرگت رو از اینجا ببر
دیوید سداریس

بهترین رابطه، رابطه ای است
که با داشتن شناخت و آگاهی از همه ی موانع
هنوز میل به حفظ آن زنده باشد"

▪ لطیف است شب
اسکات فیتزجرالد

فرق بسیار زیادی ست
بین کسی که کم می آورد
با کسی که کوتاه می آید"

▪ جزیره‌ی سرگردانی
سیمین دانشور

هر چه به زندگی خود می‌نگرم
پشیمانی‌هایم از ناکرده‌ها
بیشتر از کرده‌هاست"

▪ سرچشمه‌های حکمت
ابراهیم والی دراچیان

چه چیزی بهتر از این که شب
در حالی که باد به شیشه‌ها می‌کوبد
و چراغ هم روشن است
آدم کنار آتش بنشیند و کتابی بخواند"

▪ مادام بواری
گوستاو فلوبر

احساس عشق همه‌ی ما را
دچار این توهم گمراه‌کننده می‌سازد
که طرف خود را می‌شناسیم"

▪ جاودانگی
میلان کوندرا

حقیقت برای عیان شدن
نیازی به بیان ندارد"

▪ در جستجوی زمان از دست رفته
مارسل پروست

اگر قلب توان تفکر می‌داشت
از تپیدن باز می‌ماند"

▪ دلواپسی
فرناندو پوسوا

قرار نیست جواب همه را بدهیم
قرار نیست همه را خوشحال کنیم.
قرار نیست همه از ما راضی باشند!
قرار نیست همه با ما دوست باشند"

▪ نامه ای به خودم
سپهر خدابنده

. همه می خواهند با شریکی کامل باشند
اما تعداد کمی از مردم می خواهند
خودشان شریک کامل باشند"

▪ عشق کافی نیست
مارک منسن

شجاع بودن یعنی بیدار شدن از خواب
در مواجهه با روزی که ترجیح می دهید
از خواب بیدار نشوید"

▪ عیبی ندارد اگر حالت خوش نیست
مگاین دیواین

آیا تا به حال قلبت
به خاطر تمام شدن کتابی به درد آمده است؟
آیا شده تا مدت ها بعد از تمام کردن کتابی
نویسنده اش همچنان در گوشت نجوا کند"

▪ تولستوی و میل بنفش
نینا سنکوویچ

برخی افراد اگر درباره عشق نشنیده بودند
هرگز عاشق نمی شدند"

▪ جستارهایی در باب عشق
آلن دوباتن

هیچ وقت نمی توانی
چیزی را که قرار است از دست بدهی نگه داری
تو فقط قادر هستی چیزی را که داری
قبل از آن که از دستت برود
عاشقانه دوست داشته باشی"

▪ به خاطر وین دیکسی
کیت دی کامیلو

اگر رازم را مسکوت نگه دارم ، آن راز زندانی من است اگر بگذارم از دهانم خارج شود، این منم که زندانی آنم بار درخت سکوت، میوه ی آرامش است"

▪ درمان شوپنهاور
اروین د. یالوم

ما در زندگی، همه تنگاتنگ هم افتاده ایم
فکر میکنم هنر اصلی، هنر فاصله ها باشد
زیاد نزدیک به هم، میسوزیم
زیاد دور از هم، یخ می زنیم"

▪ دیوانه وار
کریستین بوبن

دلیل اینکه آدمها به دشواری شاد می شوند
این است که همواره گذشته را بهتر از آنچه بوده
حال را بدتر از آنچه هست
و آینده را نامشخص تر از آنچه خواهد بود، می بینند"

▪ ژان دوفلورت و دختر چشمه
مارسل پانیول

اگر برای شکرگزاری وقت صرف نکنی
هرگز نعمت بیشتری نخواهی داشت
و تمامی نعماتی را هم که داری از دست خواهی داد
وعده معجزه که با شکرگزاری رخ میدهد
در این عبارت نهفته است:
اگر شاکر باشی نعمت بیشتری به تو داده می شود"

▪ راز
راندا برن

گاهی هر آن چه را که درک نمی کنیم پای شیطان می
نویسیم و فکر نمی کنیم که می تواند از جانب خدا باشد"

▪ از عشق و شیاطین دیگر
گابریل گارسیا مارکز

زندگی خیلی چیزها یادمان می دهد و ما مقصریم که
یاد نمی گیریم و بارها و بارها در همان تله شیرین گرفتار می آییم"

▪ اینس
کارلوس فوننتس

ملت ایران میداند که گرگهای ما داخلی هستند، از خارجی
نباید متوقع بود که دایه خاتون از مادر مهربان تر باشد
بدانیم که اگر به خودمان رحم نکنیم دیگران بما رحم
نخواهند کرد"

▪ اشک تمساح
صادق هدایت

تنها چیزی که تو زندگیم
به صورت تخصصی بهش تسلط دارم
انتخاب آدمهای اشتباه برای دوست داشته"

▪ مرگ در می زند
وودی آلن

تشکری بی پایان به خودم مدیونم
به کسی که بودم ، کسی که زندگی کرد
با اینکه نمی خواست"

▪ عیبی ندارد اگر حالت خوش نیست
امکان دیواین

وقتی آدم یک نفر را دوست دارد
ترس های جدیدی پیدا می شوند که قبل از آن
آدم از آنها بی خبر بوده است"

▪ وقتی برای زندگی و وقتی برای مرگ
اریش ماریا مارک

قهرمان کسی است که پیوسته انسان باشد
گاهی ضمن نبرد با دیگران
و گاهی در جنگ با خود"

▪ سگ
اریک امانوئل اشمیت

آدم گاهی آنقدر تنها می شود
و با خودش حرف می زند
که تبدیل می شود به دو نفر"

▪ برادران سیسترز

پاتریک دوویت

مردم با سگ بدرفتاری می کنند
چون تحمل این شکل از وفاداری را ندارند"

▪ ریگ روان
استیو تولنز

همیشه سخت ترین جای کار اینه
که تظاهر کنی هیچی نشده"

▪ پاییز پدرسالار
گابریل گارسیا مارکز

من از آنهایی که پول را حقیر می شمارند خیلی بدم می آید. اینها یا ریاکارند یا احمق. پول مثل حس ششم می ماند که اگر نباشد
آن پنج حس دیگر هیچ سودی ندارند"

▪ پایبندی های انسانی
سامرست موآم

دقت کرده اید که آدمهای بیخیال
اغلب به هدفشان می رسند؟
دقت کرده اید که گاهی اوقات
هنگامی که بیخیال چیزی می شوید
همه چیز خودش جفت و جور میشود"

▪ هنر ظریف رهایی از دغ دغها
مارک منسن

من حتی ذره ای به آنچه مردم می گویند اهمیت نمیدهم"

▪ شرمنده نباش دختر
ریچل هالیس

از آدمها بت نسازید، این خیانت است؛
هم به خودتان هم به خودشان
خدایی می شوند که خدایی کردن نمی دانند؟
و شما در آخر می شوید، سر تا پا کافر خدای خود ساخته"

▪ غروب بتها
نیچه

نه ميتوانيم بميريم، نه ميتوانيم زندگي كنيم.
نه ميتوانيم همدیگر را ببينيم
نه ميتوانيم همدیگر را ترك كنيم.
به تنگنای عجیبی افتاده ایم"

▪ گوشه نشینان آلتونا
ژان پل سارتر

مردم می گویند که درد کشیدن آدم را شریف و پاک می کند؛ این یک دروغ است، درد فقط آدمی را بی رحم می کند.

▪ پیروزی عشق
سامرست موام

ممکنه يك نفر فقیر و بی سواد باشه
اما دلیلی نداره مؤدب و تر و تمیز نباشه"

▪ ثافون
کارلوسی رولیت

یاد گرفتم فقط زمان میتونه نشون بده
احساسات ما چقدر واقعی هستن"

▪ مهرگان؛ سرگذشت آب و آتش
بهار برادران

صبح که از خواب بیدار می شوی
در نظر بیاور چه سعادت است
زنده بودن، فکر کردن، لذت بردن و دوست داشتن"

▪ تأملات
مارکوس اورلیوس

نمی شود بدون دوست داشتن کسی زنده ماند...
تجربه کهنه ام را باور کنید"

▪ زندگي در پيش رو
رومن گاری

رفتار، احساس، فکر و گفته های دیگران را به خودت نگیر آنها عقاید خود را بر پایه ی نظام باورهایشان بیان می کنند هر آنچه
دیگران در مورد تو می اندیشند
در حقیقت درباره ی تو نیست، بلکه در مورد خود آن هاست"

▪ چهار میثاق
دون میگوئل روئیز

آن گاه که لیاقت دریافت خدا را در خویش داشته باشی
بدان که او به هزاران شیوه در تو تجلی خواهد کرد"

▪ مانده های زمینی
آندره ژید

هیچی سخت تر از این نیست که منطقی فکر کنی
وقتی احساساتت دارن خفه ت میکنن"

▪ همیشه شوهر
داستانایوفسکی

ترجیح می دهم
به خاطر کسی که واقعا هستم، ازم متنفر باشی
تا اینکه به خاطر کسی که نیستم، دوستم داشته باشی"

▪ جنگجوی عشق
گلنن دوئل ملتن

غم انگیزترین چیز دنیا
از خواب بیدار شدن است
وقتی میبینی هیچ چیز عوض نشده
و باید ادامه بدهی"

▪ سگ خارجی
سمیرا رشیدپور

انسان فقط هنگامی خوش قلب است
که بتواند برای تأمین سعادت دیگران عملا اقدام کند
نه اینکه فقط برای دیگران آرزوی خوشبختی کند"

▪ درسهای فلسفه اخلاق
امانوئل کانت

اگر کمی به مرگ فکر می کردند
هرگز کوتاهی نمی کردند از زدن تلفنی که باید بزنند
کمی دیوانه تر می بودند
از پایان این زندگی وحشت نمی کردند

چرا که نمی توان از چیزی ترسید
که به هر حال اتفاق می افتد"

▪ چون رود جاری باش
پائولو کوئلیو

این شوخی نامردان است که امید می دهند
و سپس باز پس می گیرند
و بر نومید شدگان، از تو دل می خندند"

▪ مرگ یزدگرد
بهرام بیضایی

یکی از نشانه های عشق حقیقی
آن است که به تو عشق بورزند
بدون این که شایستگی اش را داشته باشی"

▪ آهستگی
میلان کوندرا

ما فقط وقتی دیگران را دوست داریم
که طبق آرمان های ما رفتار کنند
ولی این عشق نیست"

▪ مردی که میخواست خوشبخت باشد
لوران گونل

اگر به ظالم رو بدهی و بگذاری که یک انگشت به حس تو تجاوز کند،
به هزار انگشت هم اکتفا نخواهد
کرد!
این خود ما انسان ها هستیم که می بایست حریم خود را بزرگ در نظر بگیریم"

▪ بارنابی روج
چارلز دیکنز

ذهن نابالغ وقتی توجیه منطقی پیدا نمی کند،
دست به دامن خرافات می شود"

▪ شرلوک هلمز و دراکولا
لورن دی. استلمن

آن هایی که گمان می کردند جنگ به زودی به پایان می رسد مدت ها بود همگی مرده بودند، و درست به سبب جنگ مرده بودند"

▪ به امید دیدار در آن دنیا
پییر لومتر

همیشه از شوق و علاقه ای که مردم به دیدن اشخاص مشهور دارند، متعجب و متحیر شده ام اینکه شناختن اشخاص مشهور را افتخار و سربلندی بدانی و به دوستانت بگویی حضور، آن ها را دیده ای فقط ثابت می کند که خود تو، آدم کوچکی هستی"

▪ جمع بندی
سامرست موآم